Պարսկաստանի Հայոց
Թեմական Մատենադարանին
է։

فهرست فصول این رساله سوال و جواب است

فصل ۱ در بیان نشان عیسویان ۲

فصل ۲ در بیان انچه لازمست بر عیسویان که بدانند ۱۱

فصل ۳ در بیان معنی اسرار دین ۱۹

فصل ۴ در بیان باقی معنی اسرار دین ۳۴

فصل ۵ در بیان عملیات و بیان ده حکم الهی ۵۳

فصل ۶ در بیان احکام کلیسیا ۷۶

فصل ۷ در بیان مناجات ۸۶

فصل ۸ در بیان دعائیکه از اسلام ملائکتی میکویند ۱۰۵

فصل ۹ در بیان توجه بجناب مریم و عزت صورتها ۱۲۲

فصل ۱۰ در بیان هفت اسرار مقدس متعارف در کلیسیای مقدس ۱۲۹

فصل ۱۱ در بیان فضایل نیکوییها ۱۵۹

فصل ۱۲ در بیان عطایای روح القدس و سعادتمندیها ۱۷۰

فصل ۱۳ در بیان کارهای رحمت ۱۸۸

فصل ۱۴ در بیان گناهان کبیره و معالجه انها ۲۰۲

فصل ۱۵ در بیان چهار چیز واپسین ۲۱۸

فهرست علاوه شده

در بیان عمل اعتقاد ۲۲۶

در بیان عمل امید ۲۲۷

در بیان عمل محبت ۲۲۷

در بیان عمل پشیمانی ۲۲۸

در بیان عمل توبه ۲۲۹

اینمختصر رساله ایست در سوال وجواب که انتخاب شده است
از عقاید عملیات دین عیسویان ومبنی است بر پانزده فصل

فصل اوّل

در بیان نشان عیسویان

س عیسوی هستید

ج اری بعنایت خدا

س چرا میگوئید بعنایت خدا

ج زیرا که محض لطف وکرم خدا بود که باینمرتبه
رسیده که عیسوی شدم بی انکه خود لیاقت داشته باشم

س عیسوی چه معنی دارد

ج عیسوی انست که اعتقاد میکند واقرار
می آورد دین حضرت عیسی را

س مگر اعتقاد بدل پسند نیست اگرچه
بزبان اقرار نکرده باشد

ج نه بلکه لازمست برهر عیسوی که دین حضرت

عیسی را در دل استوار داشته باشد و نیز
اماده بود برای اقرار کردن ان بزبان هرگاه
که ضرور افتد و هرگز انکار ان نیارد هرچند
خطر جان در پیش اید

س نشان عیسویان که است

ج صلیب مقدس

س چرا

ج زیرا که در صلیب حضرت عیسی ما را ازاد کرد

س پس معلوم است که ما اسیر بوده ایم

ج بلی

س اسیر چه کس

ج اسیر عصیان خود و شیطان

س صلیب را چه طور بعمل می اورند

ج بدو طریق یکی برای نشان کشیدن
و دیگری برای برکت کردن

س چه چیز است نشان کشیدن

ج رسمی خاص عیسویانست که بدان اشارت
صلیب بدست راست پهن و دراز کرده شده

برخویشتن میکشند ویا بانگشت دست راست
همان نشان صلیب را سه نوبت میکشند
یکی بر پیشانی و دیگری بر دهان و دیگر بر سینه
و دران حالت دعا کنند بخداوند صاحب خود
س بنمایید که چه طور دعا کنند
ج بانقسم بگوید که ببرکت صلیب مقدس
خلاص کن مارا ای صاحب ما از دشمنان
س چرا اشارت صلیب بر پیشانی میکشید
ج تا خدا مارا خلاصی دهد از خیالات فاسد

س چرا اشارت انرا بر دهن میکشید
ج تا خدا یتعالی مارا رهائی بخشد از گفتارهای بد
س چرا بر سینه
ج تا باری سبحانه مارا خلاصی دهد از کردهای
ناشایسته که از دل ما بیرون می اید
س پس مراد از دشمنان گناهان ماست
ج اری که اصل دشمنان جان ما گناهانست
خواه ارتکاب ان بفکر باشد یا بقول یا بفعل
واز خدا درخواست مینمائیم که مارا از اینهمه خطاها

رهائی بخشد بوسیله صلیب مقدس و برکت
حضرت عیسی صاحب ما

س برکت کردن چه چیز است

ج کشیدن اشارت صلیب است بدست
راست از پیشانی تا سینه و از دوش
چپ تا دوش راست

س بنمایه که چه طور دعا کنند

ج باسم اب و ابن و روح القدس آمین

س چرا چنین اشارت صلیب بر خود میکشند

ج برای اقرار کردن بان سر بلند که خدا
و پسر و روح پاک سه قنوم و یک خدای واحد مطلق

س دیگر برای چه

ج جهت اقرار کردن که در صلیب مقدس
ازاد شدیم

س کدام وقت این نشانها را بکار بریم

ج هر وقت که شروع کنیم بکار
نیکی یا خود را در خطری و تنگی دیده باشیم
خصوصا وقت برخواستن از جامه خواب

یا برامدن از خانه و درامدن در عبادتخانه

و وقت خوردن و خوابیدن

س چندین بار از برای چه

ج تا همه وقت و همه جا ایزد تعالی مارا

رهائی بخشد از دشمنان ما

س برای چه در اغاز هر کاری

ج تا دشمنان ما که جرایم و شیاطینند

دخل نکنند در هیچیک از امور ما بلکه همه موافق

رضای ایزدی بوجود اید

فصل دوم

در بیان انچه لازمست بر عیسویان که بدانند

س بر عیسویان چه چیز واجبست که

بدانند چون ببلاغت برسند

ج سه چیز

س ان کدامست

ج اعتقادیات و عملیات و مناجاتیات

س اعتقادیات را چه طور بدانیم

ج بدانستن ایمان مسیه ارم را و بفهم

اجزای اسرار دین

س عملیات را بچه نوع معلوم داریم

ج بدانستن امر و نهی خدا و شریعت
عیسویان تا انرا بجا اریم و بدانستن جرایم
کبیره تا از انها محترز باشیم

س مناجاتیات را چه سان بفهمیم

ج بدانستن ان ادعیه که ابتدای انها
ای پدر ما است و سلام بر تو ای مریم

س کفتید بدانستن ایمان میدارم

اکنون

اکنون بکوییه که ایمان میدارم چه چیز است

ج اقراریست باختصار از اسرار دین مقدس ما

س ایمان میدارم را که بنا نهاد

ج رسولان حضرت عیسی صاحب ما

س از برای چه

ج جهت خبر دادن ما را از دین خود زیرا که
دران مختصر است هرچه لازمست که تخصیص ما بدانیم

س پس ایمان میدارم را تفسیر بکویید

ج ایمان میدارم بخدای واحد پدر

قادر مطلق آفرینندهٔ آسمان و زمین و بحضرت
عیسی مسیح پسر یگانه او و صاحب ما که پیدا
شده است بقدرت روح القدس و تولد
یافت از مریم بکر و محنتها کشید و بحکم پیلاطس
مصلوب شد و مرد و مدفون شد و فرود آمد
بجایهای پست و بروز سیم از میانه مردگان
برخاست و بالا رفت بر آسمانها و مینشیند
بدست راست خدای قادر مطلق و از آنجا
خواهد آمد بداوری کردن زندگان و مردگان

و نیز ایمان میدارم بروح القدس و کلیسیای
مقدس احد کاتلیکی و رسولی و شرکت پاکان
و آمرزش جرایم و حشر مردگان و حیات
جاوید آمین .

س در اینکه خوانده چند اسرار دین داخلت
ج چهارده که آنها را چهارده اسرار دین میخوانیم
س آنها را بگویید
ج اجزای عقاید ایمان چهارده است
از آنجمله هفتش داخلت بلاهوت خدایتعالی

وهفت دیگر بناسوت حضرت عیسی وان هفت

که بلاهوت خدا داخلست اینست

اول اقرار آوردن برانکه خدا واحدست و پدر قادر مطلق

دویم ایمان آوردن برانکه خدا قادر مطلق است

سیم ایمان آوردن برانکه پسر است

چهارم ایمان آوردن برانکه روح پاکست

پنجم ایمان آوردن برانکه خالقست

ششم ایمان آوردن برانکه نجات دهنده است

هفتم ایمان آوردن برانکه بهشت دهنده است

وان هفت دیگر که بناسوت حضرت عیسی داخلست اینست

اول ایمان آوردن بانکه همان پسر بود

که بقدرت روح القدس در شکم جناب

مریم ادمیت کرفت

دویم ایمان آوردن بانکه ان زاییده شد

از مریم بکر و بکارت او زایل نشد

سیم ایمان آوردن بانکه از برای ما مصلوب

شد و مرد و مدفون شد

چهارم ایمان آوردن بانکه ان فرود امد

بجایهای پست و براورد ارواح اولیا،
پیشین را که همانجا منتظر امدن مبارک او بودند

پنجم ایمان اوردن باینکه ان روز سیم
زنده شد و برخواست

ششم ایمان اوردن باینکه ان بر اسمان بالا
رفت و مینشیند بدست راست خدای قادر مطلق

هفتم ایمان اوردن باینکه در اخر دنیا ان
خواهد امد جهت داوری کردن زندگان و مردگان
از نیک و بد که کرده باشند

فصل سیم

در بیان معنی اسرار دین

س شما میدانید بیان این اسرار
بلند و باریک را چنانچه عالمان متبحر

ج جواب میتوانم داد انچه از من بپرسید
اما بیان کامل انرا موقوف میداریم بر پادریان
و عالمان عظام که تفسیر کرده اند قانون ایمانرا

س پس بیان کنید انقانون ایمانرا
لفظ بلفظ و نخست بگوئید که چه معنی دارد ایمان

میدارم و چه چیز است

ج ایمان آوردن یقین داشتن است چیزیرا

که در نظر نیامده باشد از جهت اینکه خدایتعالی

در کلام خود چنین گفته است

س شما خدارا دیده اید که آسمان و زمینرا

آفریده باشد و حضرت عیسی را مشاهده کرده اید

ج نه

س اینچیزهارا یقین میدارید

ج آری و یقینتر از آنکه بچشم خود ببینم

س چرا

ج زیرا که اینچنین نوشته شده است و چنین گفته است

خدائیکه فریب دهنده و فریب خورنده نیست

س از کجا میدانید که خدا اینچنین گفته است

ج از اینکه اینچنین نوشته است در انجیل

مجید حضرت عیسی

س میگوئید ایمان میدارم بخدای

واحد مراد از خدای واحد چه چیز است

ج خدا چیزیست روحانی مجرد و واجب الوجود

که دراو جمع شده است همه کمالات که بخیالات
توان اورد و هم بسیار چیزی که برون از خیال
باشد و واحد است یعنی شریک ندارد

س چه معنی دارد خدای پدر

ج خدا پدر خوانده میشود از جهت انکه همه مردم
و اشیارا افریده و برپا میدارد و انهارا میرساند بهر چه
بایشان لازمست باکمال مهر همچون پدر بفرزندان
خویش و نیز پدر خوانده میشود زیرا که بحقیقت پسر
طبیعی دارد از همان ذات خویش

چه طور

س چه طور تواند بود که خدا پسر حقیقی
داشته باشد چونکه نه جسم دارد و نه زن

ج چه طور خدا میبیند و سخن میگوید و میشنود
چونکه نه جسم و نه دهان و نه گوش دارد

س نمیگوییم که میبیند و سخن میگوید
و میشنود بجسم و دهان و گوش مثل ما بلکه همه اینچیزهارا
میکند بعقل و دانش خویش

ج بهمان طور وقتیکه میگوییم خدا پسر
دارد نمیگوییم که ان را دارد از زن و یا از شی مثل ما

که او تعالی از اینچیزها منزه است اینچیزهاست
وبس که بلند است ولطیف وبفهمیدن خود کمال
چون سخت است یک مثل با تصدیق پیدا میکنند
درخود مثل خود بی کم وبیش که از او پسر میگوییم
وبخواستن خویش بکمال میلی پیدا میکنند
درخود که از او روح القدس میگوییم وان تصدیق
عقلی که پسر است وان میل که روح القدس است
از همان ذات خدا میباشد
س پس چرا میگویید که سه خداست

پدر و پسر و روح القدس
ج حاشا که چنین کفته باشیم بلکه با وجود
اینکه اقرار میکنیم که خداتعالی سه اقنوم با قایم
مختلف است میگوییم که یک خدای واحد مطلق است
چرا که در خدای بغیر یک ذات بسیط نیست
الغرض همان خداست که بتحقیق پدر و بتحقیق
پسر و بتحقیق روح القدس است بی آنکه
از وحدت ذات مبارک برآمده باشد
واین خاصه خداست که سخت است و در هیچ

مخلوق اینخاصیت یافته نمیشود و بجهت سربلند
میکوییم که ان بیچون و بی چکونه است

س این چون توانه بود

ج بقدر امکان انچه من تحقیق کرده ام این است
که درباره الله تعالی چیزهایی خواهیم شنید
و اعتقاد خواهیم کرد که بلندتر از فهم و عقل ماست
بنابران در اغاز این اسرار دین که نقل
کرده ام است انسخن که کفته ام معنی ایمان میدارم
تا بفهمانیم که در چیزهای الهی مدار ما بر جسم و دلیل

نیست

نیست مکر باعتبار انکه یقین داشته باشیم انچه
در کلام خدا است هرچند بکنه ان نرسیم

س بیان نمودید که چه معنی دارد خدای
پدر اکنون بکویید چه معنی است قادر مطلق را

ج اینکه قدرت خدا انقدر است که هرچه
میخواهد میتواند کرد و محتاج بالت یا ماده نیست
مثل ما تا چیزها موجود کند بلکه از هیچ میتواند
پیدا کردن هرچه میخواهد

س چه معنی دارد افریدکار اسمان و زمین

ج اینست که خدا تعالی که واجب الوجود است
وقدیم وقتیکه خواست پیدا کرد از هیچ محض بحکم
خود آسمان وزمینرا وهرچه در آنهاست از روحانی
وجسمانی وچیزی نیست هرچند که خوردتر از سایر
اشیاء بود که آفریده او نباشد

س چه معنی دارد عیسی مسیح پسر یگانه او وصاحب ما

ج اینکه عیسی مسیح که صاحب ما شده است وارد ذات
مبارک خداست بنابراین او تنها پسر حقیقی خداست

س چونست که در کتاب الهی بندگان

نیک وپاک پسر خدا خوانده میشوند

ج آری اما آنها که پسر خوانده شده اند
محض لطف وکرم الهی میباشد که این خطاب را
یافته اند وپسران حقیقی وطبیعی نیستند
مگر پسران مجازی

س چه معنی دارد که این پسر خدا
عیسی مسیح خوانده میشود

ج عیسی نام خاص اوست ومسیح لقب او

س چه معنی دارد یسوع که عیسی میگویند

ج یسوع بمعنی نجات دهنده است و چون
پسر خدا ادم شده است برای سلامتی ما
و رهائی ما از جرایم لهذا این نام یسوع را
گرفت و این خاصه خداست

س چه معنی دارد مسیح

ج مالیده شده

س از چه چیز مالیده شده است

ج از روغن رحمت الهی و از انعام
و لطفهای او که ان ادمیت که پسر خدا بخود

گرفت مملو شد از هر فضیلت و انعام خدا
که در مخلوقات توان یافت بنابران باین دو لفظ
عیسی مسیح ظاهر میشود که خدای حقیقی و نجات
دهنده همگنانست و نیز ادم حقیقیست که پاکترین ذات
نسبت بهمگی مردم

س چرا میگوییم عیسی صاحب ما

ج ازانجهت که از حیثیت اینکه خداست
ما را افریده است و از حیثیت انکه ادمست بمحنتها
و مرگ خود ما را از غلامی سخت شیطان و

جرایم ازاد کرد و باینکه قدرت داد

که ازاینها برائیم

س چه معنی دارد که پیدا شده است

بقدرت روح القدس

ج بدانجهت که پسر خدا ادمیت گرفته است

در شکم جناب مریم پارسا نه بوسیله پدر و نه بطرز

مردم دیگر مگر بقدرت الهی که روح پاکست

س پس عیسی مسیح از حیثیت اینکه

ادمست ازپدر بوجود نیامده است

ج چنین است که انچنانکه از حیثیت اینکه

خدا است در اسمان از پدر پیدا شده نه از مادر

همین طور در زمین از حیثیت اینکه ادمست از مادر

پیدا شده نه از پدر

س چه معنی دارد که زائیده شده است از مریم بکر

ج از اینکه ان زن خجسته میان همگی زنان

برگزیده شده تا از او و در او پسر حقیقی خدا

ادمیت بگیرد و مریم نام داشت

س چرا او را بکر میگویند پس چون زائیده

ج که همچنانکه بی وسیله مرد بقدرت ایزدی حامله
شد همچنان بقدرت الهی زاییده شد بی انکه
بکارت او زایل شود و همواره تا دم واپسین
بحالت دختری ماند بنابراین بکر بود پیش از زاییدن
و وقت زاییدن و بعد از زاییدن

فصل چهارم

در بیان باقی معنی اسرار دین

س گفتید که پسر خدا ادمیت گرفت
و از مریم بکر متولد شد اکنون بگویید چه معنی دارد

محنتها کشید بحکم پیلاطس و مصلوب شد
و مرد و مدفون شد

ج اینکه حضرت عیسی صاحب ما بسیار محنتها
کشید و در صلیب کشته شد بحکم پیلاطس که ادم
حاکم دیار یهودان بود که انجا حضرت عیسی تولد
یافت و تعلیم داد و معجزها و خوارق فراوان
بعمل اورد بعد از انکه مرد و در قبر نهاده شد

س چرا میگویید که مرد چون اقرار میکنید که خدا بود

ج از حیثیت انکه خدا است نمرد بلکه محالست

که بمیرد اما از حیثیت آنکه آدمیت مرد باینکه
جان از تن او جدا شد بروش مردگان
دیگر اگرچه جان و تن از خدائیت جدا نشدند چنانچه
هرگاه چوب کمان از میانه دو پارچه شود هرچند
آن پارچها از یکدیگر جدا میند ولی بزه خود یکی شده
وازو جدا نیستند همچنین است آدمیت حضرت
عیسی مرده اگرچه روح و تن از یکدیگر جدا شدند
ولی بخدا متحد گردیده و همیشه اتصالشان باقیست
س چرا از حیثیت اینکه مرد شوانست

که از مرگ خلاص شود چون مردگان دیگر را
زنده میدارد
ج آری میتوانست لیکن بنی آدم اینقدر محبت
داشت که خود را جهت گناهکاران فدا کرد و کفارت
همه گناهان ایشان را بمرگ خود ادا نمود بنابراین
ازو بغایت منت داریم
س چه معنی دارد که بجاهای پست رفته است
ج اینست که بعد از مردن که تن او را بقبر سپردند
بهمین طور جانش در جاهائیکه زیر زمینست رفت

س چه نوع جایهاست در انجا

ج چهار مکانست در زیر زمین پستترین از همه

دوزخست که انجا شیاطین و مجرمان عذاب

میکشند دیگر جائیست بلند تر از ان که ازامطهر

مینامند یعنی جای پاک شدن از برای مردم

نیک که بعضی معصیت از ایشان سرزده انجا

میروند تا مطلق پاک شده بهشت خرامند و دیگر جائیست

بلند تر از ان که ازالیمبوس یعنی کناره میخوانند

که در انجا بچکان نابالغ میروند که پیش از

غسل تعمید گرفتن مرده اند و در انجا بغیر از محرومی

از دیدار خدا هیچ عذاب نمیکشند چهارم جائیست

رفیعتر از همه انرا اغوش یا کنار ابراهیم

گویند یعنی مقام ابراهیم خلیل که در انجا ارواح

انبیا و اولیاء خدا بودند و اینها عذاب

نمیکشیدند و منتظر مقدم حضرت عیسی بودند

که ایشانرا از انجا براورده ببهشت رسانند

س پس بکدام جای ازانمنازل

حضرت عیسی فرود امد

ج بانمقام چهارم و در انجا نورانی ساخت
ارواح پاکان را و چون از قبر برخواست همه را
باخود برد و دیگر ارواح که در ان سه مقام بودند
بحال خود گذاشت

س چه معنی دارد که روز سیم برخواست
ج از بعد از انکه از روز جمعه و شنبه جانش
در انمکان با اولیای مذکور بود و تنش در قبر
باز جان با تن پیوند گرفت و زنده شده
از قبر برامد و زندگی جاویدیافت که هرگز فنا پذیر نیست

س بچه معنی میگویند که بر اسمان بالا رفت
ج از اینکه عیسی صاحب ما بعد از انکه زنده
شده چهل روز با شاگردانش بسر برد
و بحضور ایشان و دیگران بر اسمان رفت
و رسید ببلندترین مقامی که انجاست و این
کار محض بقدرت الهیت خویش کرد

س چه معنی دارد که مینشیند بدست راست
خدا اگر خدا را دست راست و چپ است
ج خدا دست راست و چپ ندارد چرا که

از جسم منزه است اما از اینکه میکوییم که بدست
راست خدا نشسته است بد اینجهت است که
تا بفهمانیم که عیسی صاحب ما از حیثیت اینکه
پسر است همان بزرگی و قدرت را دارد و از حیثیت
اینکه ادمست در عزیزترین و بهترین مکانیکه
بر اسمانست متمکنست و بزرگواری و قدرت پیشتر از
فرشتگان و همه پیغمبران دارد

س چه معنی دارد خواهد امد برای داوری
کردن مردگان و زندگان

ج اینست که وقتیکه دنیا باخر خواهد رسید
در اخرین روزش حضرت عیسی صاحب ما
از اسمان بتمام بزرگی و شان عظیم فرود
خواهد امد و از همگی مردم حساب نیک و بدی
که بعمل اورده باشند خواهد گرفت و بر ایشان
عدالت کلی خواهد نمود و همه را جزا باسیاست
فراخور کردار ایشان خواهد فرمود

س چرا میکوییه که داوری کند
بر زندگان و مردگان در روز عدالت و حال

همه مردم مرده باشند و بعد از مردن زنده نشوند

ج اری اما مراد از زندگان مردم نیکند
و مراد از مردگان مردم عاصی و نیز مراد از
مردگان آنانند که پیش از آن روز مرده
باشند و مراد از زندگان کسانی هستند که تا آن روز
زنده میباشند انها هم در آن روز نیز خواهند مرد
و بعد از آن زنده خواهند شد

س چه معنی دارد ایمان میداریم بروح القدس

ج یکبار گفته ایم که خدا تعالی هرچند واحد

مطلق در ذات و وجود است لیکن بسه اقنوم
قایلیم که انها پدر و پسر و روح القدس
که جان پاک است باشد چنانچه در ابتدای اینجمع
اسرار دین گفته ایم از خدا باین نسبت که
پدر است و بعد از آن از همان خدا نسبت
باینکه پسر است اکنون سخن در باره همان
خدا نسبت باینکه جان پاک یعنی روح القدس
و این سر مشکل چون بغایت بلند است بیان
انرا واگذاریم بر عالمان تبحر

س چه معنی دارد کلیسا

ج مراد از کلیسا جماعت عیسویانست و جماعه
همه مؤمنان که بمسیح اقرار میکنند و پیروی
مینمایند بدین حضرت عیسی و جانشین
انحضرت را که پاپای روحی میکویند معتقد ا
و راعی خود میدانند که حضرت عیسی او را
بازمین خلیفه خود ساخت

س چه معنی دارد کلیسای رسولی

ج اینست که رسولان حضرت عیسی صاحب ها

همان

همان دینی را که از انحضرت تعلیم کرفتند
بعینه ان را بکل دنیا مشهور و منتشر ساختند
و نیز همان دینست که از انوقت تاکنون درمیان
مؤمنین دین عیسویان معمولست و جانشینهای
همان رسولان مهیا شدند که از انروز تاحال
پیوسته بوده و هستند

س چه معنی دارد کلیسای کاتلیکی

ج کاتلیک لفظیست یونانی که ترجمه اش
کلیاتست و مفهومش اینست که اینجماعت

کاتلیک درهمه وقت بوده وخواهند بود
ودر کل دنیا ومیان هر قوم همیشه مشهور میباشند
س چه معنی دارد کلیسیای احد
ج مراد از کلیسیای احد جماعت عیسویانیست
که همگی یک کله میباشند ویک کله بان دارند
که ان جناب پاپا میباشد
س چه معنی دارد کلیسیای مقدس
باوجود انکه در عیسویان بسیار گناهکار میباشند
ج زیرا که حضرت عیسی که سردار ایشانست

پاکست ودین عیسویان کامل وپاکست ونیز
در اینجماعت مذکور بسیارند که بنیکوکاری
نزدیک خدا پاکند وسوای ازاینجماعت هیچکس
یافته نمیشود که پاک وولی باشد
س چه معنی دارد شرکت پاکان
ج اینست که چنانچه در وجود ادمی همگی اعضا
که زندگی دارند شریک در رنج وراحتند وعضوی
که از کار رفته وحس دراو نمانده هیچ شراکت
ندارد بهمین طور درمیان عیسویان مردمان

نیک و پاک شرکت دارند در دعا و نیکیها
که میکنند و این شرکت خاصه پاکانست
چراکه گناهکاران همچو عضو از کار رفته است
و از این شرکت محرومند

س چه معنی دارد امرزش جرایم

ج اینکه در جماعت عیسویان علاجهای
خاص میباشد که باعث رحمت و مغفرت الهی
میشوند و از اینمحرومست هرکیشی و دینی دیگر چراکه ایمان
ندارند بحضرت عیسی بخشنده جرایم ما

س چه معنی دارد برخواستن مردگان

ج اینست که همه مردگانیکه پیش از روز قیامت
مرده اند باز بقدرت الهی زنده میشوند یعنی
که جان هریکی بتن اصلی خود پیوند خواهد گرفت
وان تن هرچند که پراکنده شده باشد
فرشته های حارسان یعنی نگاهبانان همه اجزا
ان را جمع نموده بدستور سابق ترکیب خواهند
داد و روح دراو قرار خواهد گرفت و بعد از
زنده شدن هرگز نخواهد مرد

س چه معنی دارد حیات جاوید

ج اینست که اعتقاد داریم که مردم نیک
بوسیله مرگ وحمتهای حضرت عیسی پاداش
نیکوکاری خودرا دربهشت خواهند یافت
وخدارا خواهند دید وازهرخوبی بهره مند
ابد الاباد خواهند شد واینحالت سراسر
سعادت حیات جاوید خوانده میشود

س گناهکاران مگر حیات جاوید نخواهند داشت

ج خواهند داشت چنانچه گفتم هرگز نخواهند

مرد ولیکن چون در دوزخ بموجب عصیان
بسختترین عذاب گرفتار میباشند پس چنین
حیات را نام حیات نهادن دوراز عقلست
مگر مرگ جاوید

س چه معنی دارد انسخن پسین که امین باشد

ج اینست که اینچنین یقین داریم و باینکلمه
اقرار میکنیم که یقین دانیم انچه را که دراین
قانون اسرار دین نقل کردیم

فصل پنجم

در بیان عملیات و بیان ده حکم دین الهی

س اعتقادیات را بیان نمودید کنون
عملیات را بگویید که در دین شما چه باید کرد

ج اگر چیزها که بکار باید آورد منحصر است
در این ده حکم که آفریدگار در دل هر آفریده
از بنی آدم نقش کرده است و نوشته است
و فرستاده است و در تورات حضرت موسی ثبت است
و نیز حضرت عیسی صاحب ما در انجیل مجید مکرر
گفت و بیان فرمود..

س پس این ده حکم را بگویید

ج احکام دین خدا تعالی ده است سه
اولین تعلق دارد بعزت خدا و هفت دیگر
مشتملست بقواعد و فواید بندگان خدا

نخستین منم صاحب خدای تو و بغیر از من
تو را معبودان دیگر نباشند

دویم اسم صاحب خدای خود را باطلا بر زبان میار

سیم روز شنبه که از برای ما تبدیل شده است
بیکشنبه یاد دار تا آنرا مقدس نمایی

چهارم پدر و مادر خود را احترام نمای تا از برای خود نیکو شود

پنجم قتل مکن

ششم زنا مکن

هفتم دزدی مکن

هشتم از برای رفیق خود دروغ شهادت مده

نهم از زن رفیق خود آرزو مدار

دهم و نه از هر چیزیکه از اوست

واین ده حکم در دو حکم داخلست یکی دوست دار

خدایتعالی را از همه چیز و دیگر یرا همچو خود را

س پس حکم نخستین را باز بگوئید

ج حکم نخستین اینست که خدایتعالی را دوست دار از همه چیز

س پیان کنید اینحکم را

ج در اینحکم امر است که هیچ چیز را از مخلوقات

چنان نپرستیم و دوست نداشته باشیم که خالق خود را

س این چه معنی دارد

ج آنکه خدایتعالی یکیست و چنین اورا پرستش

و عزیز داشته باشیم که آماده شویم از برای او و پدر

و مادر و همه چیز بلکه خود را نیز بگذاریم تا امری خلاف

حکم او بکنیم

س ایا برای سلامتی جان خلاف

حکم خدا گناه میتوان کرد

ج نه زیرا که رضای خدایتعالی را از خود

و از همه چیز دوستر باید داشت

س در این حکم امر دیگر هست

ج اری نخستین و بزرگترین چیز که در این حکم فرموده

میشود اینست که هیچ چیزی از مخلوقات را و نه صورت

از انجا ای نپرستیم بغیر خدا که خالق ما و افریدگار

تمامی اشیاست و او واحد مطلق است

س چه چیز دیگر در این حکم داخلست

ج اینکه اعتبار بکنیم بتمام عقیده بخدا و هیچ شک

و شبه بسخنان او نیاوریم بلکه همه کلمات او را

یقین بدانیم هرچند بکنه معانی او نرسیم و انها معلوم ما نشود

س دیگر چه چیز در این حکم داخلست

ج نیز میفرماید خدایتعالی که تمام امیدواری

بر او داشته باشیم و در ضروریات که پیش اید

باو التجا اریم و بهیچ نوع بشیطان رجوع

نکنیم بوسیله جادوگری وغیره

س حکم دویم را بگوئید

ج اینست که اسم صاحب خدای خودرا

باطلا برزبان میار

س بیان کنید اینحکمرا

ج معنی اینحکم اینست که اسم خدارا بی لزوم

برزبان نیاریم ونیز قسم بنام خدا نخوریم بی تقریب

یعنی بناراستی و در بی انصافی و بیضرورتی

س چه معنی دارد اسم خدارا بی لزوم برزبان نیاریم

ج اینست که در جاهائیکه ذکر معبود موجب

تمجید و تحمید او نیست بعبث نباید مذکور ساخت

که باعث کسر کبریائی و سبحانیت او میشود

س ناراستی چه معنی دارد

ج اینکه اصلا بدروغ بنام خدا سوگند نخوریم

مگر در انچه واقع و راستست

س ایا وقتیکه در دروغ فایده از برای

کسی باشد سوگند بنام خدا میتواند خورد

ج نه بلکه نسبت بخدا که عین راستیست بیعزتی

عظیم میشود که اگر او را شاهد بر دروغ بیاوریم
و نام او را بنا راستی بریم

س چه معنی دارد سوگند خوردن بر بی انصافی

ج اینکه اصلا سوگند نخوریم بر چیزیکه خلاف حکم
خدا شود یا خلاف بندگان خدا

س چرا گفتی که بیضرورت سوگند نباید خورد

ج زیرا که چون سوگند خوردن بخدا خدا را گواه
آوردنست پس او را برابر در چیزهای سهل گواه گرفتن نسبت
بزرگی که خدا دارد و عزتی که شایان اوست ناشایسته است

پس میگوید

س پس میگویید که بغیر این سه شرط
سوگند نتوان خورد آیا با ملاحظه این شرایط
گاهی سوگند خوردن رواست

ج آری گاهی عبادت و ثوابست سوگند
خوردن بخدا در آنچه راستست و انصاف
و ضرور لیکن هرچند که سوگند کم خوریم بهتر باشد
بنا بر این اولی آنست که آدمی عادت کند
براستی گفتن تا چون مردم را این عادت
معلوم شود بی آنکه سوگند خورد از او باور نمایند

س حکم سیم کدامست

ج اینست که روز شنبه را که از برای ما تبدیل
شده است بیکشنبه یاد دار تا انرا مقدس نمائی

س مقدس داشتن یکشنبه چه معنی دارد

ج اینست که روزهای یکشنبه ها را که در تمام سال
میباشند باید مشغول باشیم در ان روزها باموز
مقدس و نیک و عبادت خدا مثلا از شنیدن
قداس و وعظ و مثل انچیزها و نیز اجتناب نمودنست
از مشقت کار و بار جسمانی که اکثر اوقات مانع

کارهای

کارهای روحانی و عبادت یزدانی میباشد

س ایا در میان عیسویان در بین سال
عیدهای دیگر هست که باید مانند یکشنبه مقدس دارند

ج بلی بعضی روزهای خاص هست که در انها
یاد کرده میشود از بعض اسرار احوال حضرت
عیسی و جناب مریم و اولیاء الله دیگر

س حکم چهارم کدامست

ج اینست که پدر و مادر خود را احترام نمائی
تا از برای خود نیکو شود

س از برای خودت نیکو شود چه معنی دارد

ج اینست که موجب ازدیاد عمر و رونق در امور میشود

س در اینحکم چیزی دیگر داخل میباشد

ج اری اینست که نیز حکمت که هر کسی اطاعت
پادشاه خود را نماید و بحاکمان دیگر نیز فرمانبرداری
کند و ببزرگان خود لوازم اداب و پرستاری را
بجای ارد در انچیزهاییکه خلاف دین خدا نباشد

س حکم پنجم کدامست

ج اینست که قتل مکن

س ایا مندرجست در اینحکم که هر نوع
از حیوانات را نکشند

ج نه بلکه میتوان کشت هر چه در ملک خود
بود و بکار باشد که افریده شد برای فواید
خلق در حیات و ممات

س پس چه چیز را میفرماید که قتل مکن

ج اینکه هیچ نوع از بنی ادم را بناحق نکشیم
و نرنجانیم نه بکردار و نه بگفتار زشت و نیز بدل بد
نخواسته باشیم و از زیان و نقصانشان شاد نشویم

س آیا با دشمنان خود بدی کردن جایز است

ج نه بلکه حکمت که دوست داشته باشیم بدسگال
خود را و با او نیکی کنیم وقتیکه او را بما التجائی
ضروری باشد

س حکم ششم کدامست

ج زنا مکن

س اینحکم را چه طور بجا آریم

ج اینکه مجامعت نکنیم با زن بیگانه خواه
کدخدا باشیم و خواه مجرد و باید این بدفعلی را

نه بکردار بعمل آریم و نه بزبان و نه بفکر که بتاکید
منعست با بعضی جرایم اقبح که شایستگی
نام بردن ندارد

س حکم هفتم را بگوئید

ج اینست که دزدی مکن

س چه معنی دارد دزدی کردن و چه باشد

ج دزدی اینست گرفتن و نگاه داشتن
نقد و جنس کسی را بی رضای او خواه بغصب
بود و خواه بپنهانی خواه بدغابازی باشد

وخواه بسود و نیز تعطیل کردن در ادای قرض
هنگام قدرت و معطل کردن در پاداش
خدمات شایسته داخل در دست و بهیچ چیز
از انواع مذکوره خدا راضی نیست که مال
کسی را نگاه داریم

س حکم هشتم را بگویید

ج اینست که از برای رفیق خود دروغ شهادت مده

س در اینحکم چه داخلست

ج اینست که از بنی ادم احدیرا نرنجانیم به بیعزتی

یعنی بسخنان دروغ

س ایا وقتیکه بدی کسیرا بتحقیق
بدانیم ظاهر میتوانیم کرد

ج اگر بدانیم که بدی مخفی از او سر میزند هرچند
که راست باشد نمیتوانیم ظاهر کرد بلکه پنهان
داشتن لازمست مگر ان بدی که خلاف
عقیده دین باشد یا بیوفائی نسبت بپادشاه
در اینحالت هرچند ان گناه مخفی باشد باید
ظاهر کرد تا بعد بجا اورده نشود

س در اینحکم چنانست که اصلا دروغ نگوییم

ج بلی از اینکه خدا عین راستیست مطلق دروغ

مقبول او نیست حتی از دروغیکه بهیچکس آزار

نرسد و بجهت نفع کسی گفته شود اجتناب لازمست

س حکم نهم کدامست

ج اینست که از زن رفیق خود آرزو مدار

س مگر در حکم ششم اشارت بمنع این نبود

ج آری در آنحکم منع بود هر گناهیرا که بشهوت

رانی متعلقست خواه بکردار و خواه بگفتار باشد

لیکن

لیکن چون محافظت پاکی و اجتناب از آلودگی

بغایت در کار راست و در این استقامت نمودن

بسی مشکل بنابران آرزو بزن رفیق که بیخ این

گناهست بتخصیص منع آمده

س حکم دهم را بیان نمایید

ج اینست که دو نه از هر چیزیکه از اوست

س این چه معنی دارد

ج اینچنین است که در آنحکم منع شده است

که آرزوی مال رفیق خود از هر چیزی که باشد مکن

تا مطلق مسدود شود و محکم بسته شود باب نقصان
وزیان رسندن برفیق خود

س بیان کنید انچه میگفتید که این ده حکم
در دو حکم داخلست

ج گفته ام که این ده حکم مذکور منحصر است درین
دو حکم که خدایرا دوست باشیم بر همه چیز و خلق
خدایرا همچو خود بخواهیم زیرا که اگر خدا تعالی را
از همه چیز دوستر داشته باشیم بهیچ نوع از حکم
او تجاوز نخواهیم نمود و یکشنبه و عیدهای دیگر

اورا حرمت تمام خواهیم داشت و در روزهائیکه
بعبادت منسوبند بتاکید شرایط انهارا بجا
خواهیم اورد و اگر خلق خدارا همچو خود دوست
داشته باشیم یعنی انچه برای خود خواسته باشیم
بدیگری نیز همان را بخواهیم و انچه نسبت بخود
تجویز نکنیم بدیگری پسند ننمائیم پس در اینحالت
والدین را او لا عزت خواهیم داشت
و رفیق خود را ازار نخواهیم رسانید نه در ذات
او بکشتن یا بزدن یا بسخن یا بفرو گذاشتن

عزت و نه هم درباب زن او خواه بتصرف
وخواه ببه نظری و نه در مال او بدزدیدن
و نه در عزت و نیکنامی او بشهادت دروغ
و تهمت هیچیک از اینچیزها را بالفعل نخواهیم اورد
و از روی ارا نیز نخواهیم کرد

فصل ششم

در بیان احکام کلیسیا

س مگر در دین عیسویان بعضی احکام دیگر میباشد
ج بلی بسیار است اما در کمال شهرت پنج‌اند

س کداست انها
ج اول سماع قداس در روزهای یکشنبه و عیدهای دیگر
دویم اعتراف کردن اقل مرتبه یکبار در تمام سال
سیم الحاق شدن در عید بزرگ که عید قیامت حضرت است
چهارم روزه گرفتن هنگام روزه کلان و در دیگر روزهای پرهیز حکمی
پنجم عشر دادن
س این پنج حکم را بطریق مختصر بیان
کنید قبل از این گفته بودید که روزهای عید
کداست اکنون بگوئید که چه معنی دارد قداس

که شنیدنش در روزهای یکشنبه وعیدها لازمست

ج مراد از قداس که میسه بفرنگی میگویند

یک نماز خاصست که پادری در عبادتخانه میکنند

بیاد مرگ و محنتهای حضرت عیسی صاحب ما

وانرا میباید که هرکس بتوجه دل بشنود

س چه کنیم تا توجه دل داشته باشیم

بوقت این نماز

ج سخن نکردن بکسی و هیچ چیز را بجز یاد خدا

در فکر نیاوردن و برای توجه دل بغایت

محمد است بیاد اوردن انکه بخدا حرف میزنیم

و حاضر هستیم پیش او

س شما میدانید بعضی ادعیه که

وقتیکه قربان مقدس را بر میدارند

میخوانده باشید

ج اری و اینست پرستش میکنیم تورا

ای صاحب عیسی مسیح و تورا هزار شکر گذاری

و ستایش بجا می اریم جهت انکه بوسیله

صلیب مقدس رهائی بخشیدی عالمیانرا

از تو درخواست میکنیم ای صاحب که گناهان ما را ببخشید

س چه دعا میخوانید وقتیکه کاس

مقدس را بر میدارند

ج این دعا را پرستش میکنیم ترا ای مقدس

حضرت صاحب ما که جهت بنی ادم در وقت

صلیب ریخته شدی

س حکم دویم چه معنی دارد

ج اینکه مرد عیسوی چون ببلاغت برسد

لازمست براو که از جرایم خویش اعتراف

بکند اقل مرتبه در سالی یکبار در ایام

روزه کلان

س چرا میگویید که باید در سال یکبار

اعتراف کند مگر بیشتر جایز نیست

ج بلی جایز است و نیز حکمست که اعتراف کند

وقتیکه مخاطره اجل رسید و یا کاری در پیش

گرفت که خطر مرگ دراو باشد تا از گناه پاک

شده جان بحق تسلیم کند

س بگویید که اعتراف چند شرط دارد

تا توجه احسن بجا اورده شود

ج در اعتراف سه شرط لازمست

اول پشیمانی وشکستگی دل

دویم راستی

سیم درستی

س بچه نوع اظهار پشیمانی وشکستگی دلرا نماید

ج باینکه گناهکار خودرا مجرم و عاصی بداند و بهیبت

و ترس خدا قایل باشد بر عصیان خویش

همچون کسیکه مغفرت جرایم خود میطلبد

س چه طور است راستی

ج اینست که انچه ازاو واقعی سرزده باشد

بگوید و زیاده از انچه کرده است نگوید و نیز پنهان

نکند انچه را مرتکب شده است و بموجب شرم

و خجالت عذری بران بدروغ نیارد بلکه انچه

واقعیست از ته دل بگوید بطریقیکه کسی بخدا که

عالم الغیب است حال خودرا ظاهر میسازد

س چه طور است درستی

ج اینست که بعد از تامل و تعقل در گناهان

خویش هرانچه بیادش اید بگوید بی انکه
چیزیرا پنهان کند

س حکم سیم که است

ج اینت که بهر کس که عیسوی باشد
چون ببلاغت رسیده و واقف شد
ازقربان مقدس لازمت براو که درهر سال
دروقت عید بزرک تقرب بقربان
نموده الحاق شود

س حکم چهارم چه معنی دارد

ج اینکه برعیسوی لازمست که روزه کلانرا
نگاه دارد و درروزهای پرهیز دیگر درگرفتن
روزه حکمت مگر شخصی که عذر و بیماری و ناتوانی
وغیره داشته باشد

س حکم پنجم که مشتملست برعشر یعنی ده یک
چه معنی دارد

ج اینت که ده یک ازاموال نقد و جنس
خود راکه قسمت خدا میباشد تسلیم خلفا
یاکشیش ن نماید

فصل هفتم

در بیان مناجاتیات

تخصیص در بیان دعائی که نماز ربانی خوانده میشود

س گفتید انچه اعتقاد باید کردن
وبعمل اوردن اکنون بگوئید انچه از خدا باید طلبید

ج هرانچه ارزو باید داشت و از خدا طلبید
داخلست دران دعائی که انرا نماز ربانی میخوانند

س پس ان دعارا بگوئید

ج ای پدر ما که در اسمان هستی نام تو مقدس

باد پادشاهی تو بیاید شود اراده تو چنانکه
در اسمانست در زمین نان روزینه ما را دراین
روز بما بده و قرضهای ما را بما ببخش چنانکه
ما قرضداران خود را میبخشیم و ما را در معرض
ازمایش میاور بلکه از شریر ما را خلاصی
ده زیرا که پادشاهی و سلطنت و جلال
تا ابد از ان توست امین

س این دعارا که پیدا کرده است

ج حضرت عیسی صاحب ما انرا پیدا کرده است

و بدهان مبارک خود اموخته است

س از برای چه

ج تا مارا نماز کردن بیاموزاند

س نماز کردن چه چیز است

ج جمع نمودن فکر خود را بخدا و مناجات کردن با او است

س وقتیکه ای پدر ما میگوئید بکه حرف میزنید

ج بخدا صاحب خود

س خدا کجاست

ج در اسمان و در زمین و در همه جا بدون

انکه مقید باشد در جائی

س وقتیکه ان نماز ربانی را میخوانید

بکدام سخن فکر میدارید بخدا

ج باولین سخنها

س کدامند

ج ای پدر ما که در اسمان هستی

س چرا خدا را پدر میگوئید نه صاحب

ج بد اینجهت که هرچند خدا خالق و صاحب

ما هست اما ازاینکه دوست میدارد بندکان

خود را و ایشان را فرزندان خود میخواند لهذا
بما میفرماید که او را پدر بگوییم
س دیگر برای چه
ج تا هرگاه که او را پدر میگوییم بیاد آریم آن
محبت بزرگ را که بما دارد و ازاینجهت از او
عطاها درخواست کنیم بتمام امیدواری
همچو فرزندان خود و نیز ازاینجهت لازم
بگیریم برخود که بپاکیزگی بسر بریم و از معاصی اجتناب
کنیم که چیزهای ناشایسته صادر نگردد از فرزندان

چنین پدر
س چرا میگوییدای پدر ما و نمیگوییدای پدر من
ج تا بیاد آریم محبتی را که باید بیکدیگر داشته باشیم
همچون برادران که هستیم فرزندان
چنین پدر نیک و ازجهت اینست که درخواست
میکنیم ازخدا برای همگنان بنابراین هرچه
استدعا نماییم ازخدا درآینده عا برای بهبود همگنانست
س چرا میگویید که در آسمان هستی
ج تا بیاد آریم که آنجاست پدر آسمانی ما

باهمه خوبی واز اینجهت برکنیم دل خودرا
ازچیزهای زمین

س گفته بودید که خدا همه جاست
پس چون میگوییه که در اسمان هستی

ج باینجهت که هرچند خداتعالی در همه جاست
اما برگزیده اسمانرا که جای خاصتر ولطیفتر است
ودر انجا میباشد وقدرت وبزرگی خودرا
برگزیدکان خود ظاهر میکند وپایین تر ایشانرا
سعادتمند سرمدی میگرداند

س گفتید بکدام سخن از این دعا
دل متوجه میشود بخدا وامیدوار میگردد ازاو
اکنون بگویید که بکدام سخن درخواست کرده میشود
عطایای الهی را وان عطایا که است

ج بهمگی الفاظ این دعا درخواست میشود از خدا
هرعنایت شایسته که برای جان وتن
باید خواستن وطلبیدن

س انها که اند

ج طلب عزت وبزرگی وسعادتمندی ما

که برای ان افریده شدیم و نیز چیزهاییکه
باعث حصول سعادتست

س بکدام سخن عزت خدا طلب کرده میشود

ج نخستین که میکوییم نام تو مقدس باد

س مراد از نام چه باشد

ج صیت نیکنامی و بزرکی خدا

س پس چه معنی دارد نام تو مقدس
باد مکر نام خدا مقدس نیست

ج بلی نام خدا مقدس هست ولیکن میخواهد که

همه کس

همه کس نام اورا بپاکیزکی یاد کرفته و همکی خلایق
خدارا بشناسند و بپرستند و با او بتمام
عزت و ادب سلوک نمایند و چنانچه باید
وشاید اورا عزیز دارند و چون بخدا تعالی
پدر میکوییم انصاف انست که ازاو هرازرویکه
داشته باشیم بخواهیم و ازاو درخواست کنیم
که بهمه توفیق را رفیق کرداند تا وصف اورا بکویند
و عبادت شایسته بجا اورند

س بکدام سخن میطلبید سعادتمندی را

که برای ان افریده شدیم

ج باینکه میکوییم پادشاهی تو بیاید و مراد
از پادشاهی خدا ان مراتبیست که در بهشت است
که در انجا رویت میسر میشود و کمال اطاعت او
بجا اورده در انجا بتمام ارام و اسودگی بسر میبرند
پس باین سخن که پادشاهی تو بیاید درخواست
میکنیم از خدا که توفیق و امداد بما برسد تا ان
سعادت را بدست اریم

س چیزهاییکه لازمست برای بدست

اوردن

اوردن ان سعادت کدامست

ج بجا اوردن اراده خدا و طلب رزق در
وقت ضروری برای تن و جان نگاهداشتن
و بخشش جرایم و توفیق انکه مرتکب عصیان
نشویم بلکه از هر شری مخلصی یابیم و اینچیزها را
درخواست مینماییم در پنج سخن که تتمه این دعاست

س ان کلمات را بیان نمایید

ج بگفتن اینکه شود اراده تو چنانکه در اسمانست
در زمین یعنی درخواست میکنیم از خدا توفیق

و معاونت را تا دین خدا را اکما ینبغی نگاه
داشته باشیم و اطاعت او را که در همه چیز
میفرماید و اشارت باراده خود مینماید بجا اریم
و درخواست میکنیم که اطاعت او را مردم در زمین
چنان بجا ارند که ملائکه در اسمان

س بکدام سخن رزق ضروری طلبیده میشود

ج بدانکه میگوییم نان روزینه ما را در این روز
بما بده که مراد از نان طعامست و هر چه برای
معیشت بکار اید هر چند برای زیستن بسیار

چیزها در کار است لیکن از اینکه بجز رزق لابدی
واحتیاج طلب نداریم و بقوت لایموت قناعت
ورزیم از همه چیز دیگر گذشته ناز امیطلبیم

س برای چه میگویید نان روزینه ما را

ج تا معلوم شود که باید قانع شویم بانچه از نانت
و حلالست بر ما و طلب نداشته باشیم چیزی را
که فی الحقیقه بر ما حرامست

س چرا میگویید در این روز بما بده

ج زیرا که خدا یتعالی راضی نیست بر اینکه

اسباب معیشت زمان مستقبل را از روی حرص
در زمان حال طلبیده و ذخیره نماییم بلکه میخواهد
که انچه امروز ضروریست بهمان قدر اکتفا کنیم
و غم روزی فردا را نخوریم بلکه امیدوار باشیم
که کسیکه صاحب ماست و امروز را روزی
داده است یقین که فردا اگر استدعا نماییم
البته خواهد رسانید
س چه معنی دارد و قرضهای ما را با ما ببخش
ج مراد از قرض خطاهاست و سیاست که

بموجب خطا لازمست بر ما که این از قرضهاست
و چون خود را مجرم و عاصی میشناسیم بتضرع
و شکستگی امرزش میطلبیم
س چرا میگوییم چنانکه ما قرضداران خود را میبخشیم
ج باینکه واجب گردانیده است خدا تعالی
که ما نیز بخشیم بدیهاییکه از مردم بما میرسد زیرا که
او بدیهای ما را نخواهد بخشید تا اینکه ما بدیهای
برادران خود را عفو نماییم
س چه معنی دارد و ما را در معرض ازمایش میاور

ج انست که با وجود انکه خدا تعالی عصیان
مارا بخشیده اما هنوز ملاحظه داریم که بموجب
بی استقلالی پای ما از صراط المستقیم بلغزد
و مرتکب کردار ناشایسته شویم بنا براین از خدا
مسئول ما اینست که نگذارد مارا تا بیفتیم در مغاک
ضلالت بموجب رضائی که بازمایش و وسوسه
شیطان داده باشیم بلکه درخواست میکنیم
از خدا که تجویز ننماید که ازمایش و وسوسه
شیطان انقدر بر ما مسلط کردد که راضی بان

کشته که از جا در ایم

س درانسخن که میکوئید بلکه از شریر مارا
خلاصی ده چه مراد است

ج مراد از شریر هرچیزیست که مضر جان بتواند
بود و مانع اید ازغنایت و عبادت خدا

س چه معنی دارد زیرا که پادشاهی
و سلطنت و جلال تا ابد از ان توست

ج اینست که میان اینده خواهش
کردیم که پادشاهی تو بیاید یعنی بهشت و حصول

رویت خدای بیبدیل این پادشاهی تا ابد
ازان خداست وسلطنت که بمعنی قدرت
نامتناهی باشد آن هم مختص اوست
ومیتواند که از اینقدرت خود مارا بهشت
جاودان کرامت فرماید که موجب
جلال او گردد

س چه معنی دارد آمین

ج نشان آن آرزوست که داریم که باید هر آنچه
از [illegible]بیم زیرا که اصل معنی آمین اینست

که چنین باد

فصل هشتم

در بیان دعائی که آنرا سلام ملائکتی میکنند

س خوب گفتید که در این دعا هرچه
آرزو از خدا باید طلبید داخلست ومعلوم میشود
که آنرا آموخته است حضرت عیسی صاحب دانش
لیکن بجز آن دعای دیگر دارید

ج آری

س کدامست

ج انکه او را سلام ملائکتی میگویند

بگوئید انرا

ج سلام بر تو ای مریم پر نعمت از غنایت

خداوند با توست مبارکی در میان زنان

و مبارکست میوه شکم تو حضرت عیسی ای مریم

مقدس مادر خدا دعا کن برای ما گناهکاران

اکنون و بهنگام مرگ ما آمین

س اینه عارا که پیدا کرد

ج بعضی از انرا جبریل و پاره را الیصابات

وچنه

و چنه کلمه دیگر از کلیسیای مقدس ملیشد بحکم الهی

س وقتیکه اینه عارا میخوانید باکه حرف میزنید

ج بجناب مریم

س کیست مریم

ج خاتونیست پر از انواع نیکیها که مادر

خداوند است و در اسمان میباشد

س از اینجا تون در اینه عا چه میطلبید

مگر از او امرزش عصیان میخواهید یا شاکی بهشت

ج میطلبیم که وکیل و شفیع ما باشد نزد خدا تعالی

تا از او چیزهای مذکور وغیره را برای ما تمنی کنه و ستاید

س اینه عارا کدام وقت میخوانید

ج اکثر اوقات از میخوانیم بعد از ان دعائیکه

اورا نماز ربانی میخوانند

س برای چه

ج تا درخواست کنیم از انجناب که در پیش خدا

شفاعت کند که انچه مطلب ما دران دعاست بدهد

همچون کسیکه چیزی از پادشاه میطلبد وکیلی

از بزرگان وسیلهٔ او میشود تا باو برسد

س اینه عارا پایان کنید

ج در اینه عاسه چیز بعمل می اوریم

اول میفرستیم سلام بر حضرت مریم

دویم پاره از ستایش او میکنیم

سیم انچه درکار داریم از او میطلبیم

س بکدام سخن اورا سلام میفرستیم

ج باینسخن که سلام بر تو ای مریم

س این از برای چه

ج چراکه اینچنین گفت جبرییل فرشته خدا

وقتیکه از خدا نازل شد پیش او

س ثواب دیگر هم هست

ج اری اینست که چون سلام فرشته را

ما هم میگوییم بیاد می اریم انرا و انمژده را که جبرئیل

اورد تا اورا الهی بخشد که خدایتعالی برگزیده او را بجهت

مادری پسر حقیقی خود و باینکلمه اورا از جانب

خود راغب میکنیم تا هرچه باو التماس داریم

بگوش رضا بشنود

س چه ستایش میکنید اورا در اینه عا

ج چهار ستایش بزرگ

س اولین را بگویید

ج پر نعمت از غنایت

س چه معنی دارد پر از غنایت

ج اینست که از غنایت و عاطفت ایزدی نعمتی

نتوان یافت که بطور بلند در او نباشد

س دویم ستایش که است

ج خداوند با توست

س بچه معنی

ج اینکه همیشه خدایتعالی با او بود و پناه
دهنده اش از هر بدی و توفیق بخشنده اش
برای هر نیکی شد تا هر جرم از جرایم هر چند
صغیره باشد از او سر نزند و پیوسته در افعال
شایسته الهی مشغول باشد بی آنکه شیاطین
سد راه مکارم اخلاق او گردند

س سیم ستایش که است

ج مبارکی در میان زنان

س بچه سبب

ج زیراکه آنجناب فضیلت و ترجیح داشت
بر همه زنان که از روی خارق عادت مادری
او مانع دختریت و بکارت نشد و بکارت او
مانع مادری نگردید چنانکه در مؤنثات دیگر
معمولست و اینکه گفته میشود که مبارکی
در میان زنان از اینجهت است که برگزیده شد از روی
پاکیزگی و علو درجات تا مادر حضرت عیسی باشد

س چهارم ستایش که است

ج اینکه مادر حضرت عیسی شد

س در کجاست این ستایش

ج در اینکه مبارکست میوه شکم تو حضرت
عیسی و فی الحقیقه ستایش عظیمت نسبت
بزنی که از شکم او ولدی فاضل عالی نژاد
برآید و چون حضرت عیسی بر همگنان زیاده
فضیلت و رجحان داشت بغایت ستایشیست
بزرگ که مادر چنان کس باشد

س این ستایشها از دهان که برامد

ج سه ستایش نخستین اورا جبریل کفت

وقتیکه

وقتیکه مژده داد اورا که حضرت عیسی ازاو
تولد خواهد شد و ستایش چهارم را الیصابات
زن مقدسه ئیکه مادر یحیی پیغمبر بود بران افزود
بتلقین ایزدی چنانچه در انجیل مکرم ثابت

س که است انچند کلمه که کلیسیای
مقدس الحاق نموده است در این دعا بحکم الهی

ج ای مریم مقدس مادر خدا دعا کن برای ما
کناهکاران اکنون و بهنکام مرک ما

س چرا میکوئید مریم مقدس مادر خدا

ج باینجهت که باین دو کلمه منحصر میشود هر ستایش
و تعریفیکه نسبت بجناب مریم میتوان گفت

س از برای چه

ج برای اینکه هرگاه اورا مقدس میگوئیم
فی الحقیقه از هر گناهی که جان پاک را آلوده و کثیف
میسازد او مقدس و پاکست و باینسخن که مادر
خدا گفته میشود اورا بزرگترین ستایش کرده ایم
که هیچگونه وصفی مثل آن نمیباشد

س این چه طور تواند بود که خدا مادر

داشته باشد

داشته باشد و یا از زنی تولد یابد

ج ما نمیگوئیم که خدا مادر دارد و یا از زنی
پیدا شده است چنانچه سابقا هم یکبار گفتیم
بلکه میگوئیم که حضرت عیسی خدای حقیقی بود و هم
آدم حقیقی زیرا که هم ذات الهی دارد و هم
ذات انسانی بنا بر ذات الوهیتش جناب
مریم مادر خدا نامیده میشود چنانچه زنیکه
مادر پادشاهست نه از حیثیت آنست که پادشاهیت
از او تولد یافته مگر از اینجهت است که مادر کسیست

که پادشاهت ونیز زنی که ما در عالمیت نه از جهت
انست که علم از او تولید یافته باشد بلکه از ینجهت
که ما در کسیت که صاحب دانش است
وبنا بر ذات انسانیتش تولد یافته شد
با وجود ادمیت نه خدائی

س انچه در کار داریم و از او میطلبیم
در اینده عا چه چیز است

ج اینست که اظهار احتیاج و عجز خود را اپان
مینمائیم باینکه خود را گناهکار میگوئیم یعنی خالی

از خوبیها وشایستگیها وفی الحال از او
میخواهیم که بدعا در ضروریات ما را مدد نماید

س مگر نمیخواهید که جرایم شما را خط
عفو بکشد وبهشت جاویدانی ببرد

ج نه زیرا که بجز خدای یگانه این کرامترا
نمیتواند نمود ولیکن چون انجناب را پیش
خدا تقرب تمام میباشد از او میخواهیم
که اینچیز ها را از خدا درخواست نماید ودورای
انها انچه ما را در کار باشد

س برای چه میگوییم اکنون و بهنگام مرگ ما
ج برای اینکه دور از غفلت موقوف
داشتن چاره نیکی و بدی را بوقت دیگر چون
کسی مطلع نیست که بکدام وقت ودیعت ایزدی را
که عبارت از جانست خواهد سپرد بنابراین
از او درخواست مینماییم که مدد کند ما را در ینحال
که هستیم و در اینضروریات که داریم
س چرا نیز میگوییم بهنگام مرگ ما
ج زیرا که مرگ شایسته حرمتست در همگی

زندگانی

زندگانی و علاجست برای جرایم عمر گذشته
و در انوقت اکثر درد و رنج بدن افزاید و غم
جان و وساوس شیطان هجوم میکند و اگر
در انهنگام ابلیس استیلا یافت اهل ضلالت
شدیم و کار از علاج رفت بنابراین مخصوصا
استدعا مینماییم از مریم مقدس که در انوقت
هدف ناوک را معاون باشد که خطر عظیمت
وسلامتی و چاره کار وابسته بان دست
س چه معنی دارد آمین

ج قبل ازاین هم کفتیم که این لفظ مشتملست
به اینمعنی که ارزو داریم که اینچنین باشد

فصل نهم

در بیان توجه بجناب مریم و عزت صورتها

س چنانچه از جناب مریم درخواست
میکنید که در ضروریات و بهنگام مرگ برای شما
دعا بکند ایا از اولیای دیگر همین مطالبه را مینمایید

ج اری همه را در این درخواست شریک میسازیم خصوصاً
بعضی اولیا را که با ایشان توجه خاص داریم

س انها که اند

ج ازان اولیا میباشند که با ایشان
هم نامیم و نیز ان ولیست که در انروز اسم
وعید اوست و از فرشتکان انفرشته را
که نکاهبان ماست

س چه میخواهید با ایشان

ج هر روز ان دو دعا را که نماز ربانی و سلام
ملائکی میکویند میخوانیم بنام اولیای همنام
خود و نیز بنام فرشته که حافظ کننده ماست

وهم بدینمنوال بعضی از اولیای خاص را

س چونست که بنام اولیا دعای
ربانی وسلام ملائکی را میخوانید

ج باینجهت دعای ربانیرا بنام انولی میخوانیم
که از خدای درخواست نمائیم که بشفاعت او انچه
از خدا میطلبیم کرم فرماید وان سلام ملائکی را
در نزد جناب مریم میخوانیم نیز بنام انولی تا دعای
مارا از درگاه ایزدی حاصل کنند

س جناب مریمرا بغایت میخواهید

ج اری بی نهایت چراکه فی التحقیقه او پاکترین
از همگی مخلوقاتست واوست که بجهت امداد ما
قادرتر است پیش خدا وبدعا پیشتر مهربانی
مینماید بر عاصیان نزد خدا

س از انصاف هست که اورا بسیار
دوست داشته باشیم ومکرم ومعزز داریم
چراکه لیاقت دارد ولیکن صورت اورا
برای چه با خود دارید

ج تا همواره از یاد او غافل نباشیم

س چرا اینصورت را مانند صورت
جان دار عزت و حرمت میکنید

ج ازینجهت انصورت را محترم میداریم
که صورت جناب مریم است چنانچه انجیل مقدسرا
از روی تعظیم بر سر مینهیم و بوسه میدهیم
و عزت میکنیم زیرا که ان نوشته را منظور داریم
که در وی سخنان ربانیست و فرمان پادشاهیرا
تعظیم از ان رهگذر میکنیم که فی الحقیقه در ان
پادشاهرا میبینیم که از وست و بیعزتی بان

منسوب بپادشاهست

س خوب لیکن از برای چه در وقت
نماز انصورت را در مقابل مینهید چنانچه گویا
باو حرف میزنید

ج ما وقتیکه دعا میخوانیم بصورت سخن
نداریم لیکن خوش می اید مارا که انرا در انوقت
در پیش داشته باشیم زیرا که دیدن ان
بسیار امداد میدهد برای توجه دل و چون
صورت انرا میبینیم از انجناب یاد می ایم

که اوست و باو سخن میگوئیم چنانچه گویا حاضرست
و در جاهائیکه صورت جناب مریم مختلف
در انجا میباشد خدا تعالی لطف بسیار
میکند و کرامت عجیب مینماید بحضور ان
صورتها بشفاعت خجسته مریم و انچنان خوارق
بجای دیگر سر نمیزند همین طورست صورتهای
حضرت عیسی صاحب ما و اولیای او خصوصا
صورت صلیب مقدس

س و رای این دعا که نماز زبانی و

سلام

سلام ملائکتی میگوئید دعای دیگر دارید
که میخوانده باشید

ج بلی بسیار است که از انجیل مجید و زبور
و دیگر صحیفه پیغمبران براورده اند و ادعیه دیگر
هم هست که اولیاء الله تصنیف نموده اند موافق
احوال ما و ضرورتی که پیش ما می اید

فصل دهم

در بیان هفت اسرار مقدس متعارف در کلیسیای مقدست

س گفته اید در باب انچه از خدا تعالی

استدعا باید نمود اکنون بگوئید بکدام وسیله
خدایتعالی عنایت میکند بر بندگان خود

س ج چیزهائیکه برای ایشان درکار است
و منشا مغفرت عصیان و عنایت ایزدی
بر خطا کاران میشود مختنها و مرگ حضرت عیسی
صاحب ماست و انهمه سعادت و برکت که در انحالت
صعب برای ما عاصیان اماده فرموده
میرسد بالطفیل این هفت سر
مقدس که مانند جوئیست ازان منبع

عنایت و مرحمت

س سر مقدس چه چیز است

ج نشان نیست ظاهری که اختراع
نموده شده است از حضرت عیسی
صاحب ما از برای اینکه ظاهر
نماید مارا

س چنان سر مقدس چند است

ج هفت

س کدامست

ج اول غسل تعمید

دویم اثبات

سیم الحاق شدن

چهارم توبه

پنجم مالیه کی واپسین

ششم ترتیب کهنوت

هفتم نکاح

س آیا این هفت اسرار لازمست

برهمگی عیسویان که بجای ارند

نه

ج نه ازاینجمله پنج لازمست خاص و عامرا

ودران دو دیگر اختیار دارند

س ان پنج که ضروریست کدامست

ج غسل تعمید و اثبات والحاق شدن

و توبه و مالیه کی واپسین

س وان دو که اختیار دارند کدامست

ج ترتیب کهنوت و نکاح

س این هفت سررا یک یک شرح نمایید

ج بسیار خوبست

س گفتید که نخستین غسل تعمید است
بگوئید ان چه چیز است
ج شست وشوی ظاهر بدنست بنام
اب و ابن و روح القدس امین
س جهت این شست وشوی هر گونه
اب که باشد کافیست
ج اری بشرطیکه اب اصلی باشد
س فایده غسل تعمید چه چیز است
ج اشارت بعملیت که در ان بجان سرایت

میکند

میکند یعنی شستن و پاک گردانیدن از لوث
هر گونه معاصی
س این سر مقدس را که میتوانند
بعمل اورد
ج انکه اینکار مخصوص باوست کاهنست
اما بحکم ضرورت اگر کاهن نباشد تجویز داشته‌اند
که هر فردی از عیسویان خواه مذکر و خواه
مونث باشد میتواند که این شست وشوی را
بدهد بشرطیکه مطلبش حکم حضرت عیسی باشد

وقاعده نیت را بدانند و آنچه لازمست

بگفتن بگوید

س این سر مقدسرا که میتوانند

اخذ نماید

ج هر انسانی خواه مرد و خواه زن باشد

زیرا که ببهشت نتوانند رسید اگر تخت این

غسل تعمیه را نگرفته باشد با نیت صحیح

س طفلان که هنوز ببلاغت نرسیده اند

گرفتن ان برایشان لازمست

ج اری زیرا که بی ان اصلا ببهشت

نتوانند خرامید

س این سر مقدسرا چه نوع میتوانند

گرفت چون هنوز ببلاغت نرسیده اند و آگهی

ندارند از اینکه مرتکب چه میشوند

ج چون باراده غیر یعنی ادم بعصیان

و الودکی که بان زاییده میشوند افتاده اند

هم براینمنوال بعنایت حضرت عیسی از اینسر

مقدس تمتع میگیرند طفلان برای نیت

که راضی میشود حضرت عیسی که پدران
یا مربیان طفلان اراده گرفتن این را
داشته باشند

س سر مقدس دویم کدامست
ج اثبات
س اثبات چه چیز است
ج یک مالشت بروغن مقدس که ازا
میرون میگویند بنام عیسی مسیح داده میشود
س فایده اثبات چه چیز است

ج توفیق خاص میبخشد برای مستقیم بودن
در دین انجیل محچیه که گرفته باشند
س اینسر مقدس را که میتواند بعمل اورد
ج اسقف و باذن کلیسیای مقدس
کاهن هم میتواند بعمل اورد
س اینسر مقدس را که میتواند اخذ نماید
ج همگی عیسویانیکه غسل تعمیه بجای اورده
ببلاغت رسیده باشند زیرا که در حد
بلوغ میتوانند در قرار دین خود دستی نمایند

لهذا در انوقت باید که این سر مقدس را
بگیرند تا راسخ و مستحکم باشند و ازاین
رهگذر است که بطفلان داده نمیشود که
ببلاغت نرسیده اند
س سر مقدس سیم که است
ج الحاق شدن که بزبان یونانی
اکوارنیستی آمیکویند و ازروی بزرگی اورا
سر طاهر و پاک میخوانند
س چرا اینچنین میخوانند

ج زیرا که ان فاضلتر است از همه اسرار
س چرا فاضلتر است
ج بانجهت که در اسرار دیگر توفیق از انها
داده میشود اما در این سر بزرگ نه همین
توفیق ازاو داده میشود بلکه بتحقیق همان
حضرت عیسی میباشد که در زیر ترکیب نان
و شراب است تا قوت روح ما باشد
س چه وقت حضرت عیسی در زیر
ترکیب نانست

ج درهمان وقتیکه کاهن درمیان قربان
مقدس میخواند بروی نان اینسخنرا که در انجیل
مجیده است   این بدن منست

س چه وقت حضرت عیسی در زیر
ترکیب شرابست

ج درهمان وقتیکه کاهن درمیان قربان
مقدس میخواند بروی شراب اینسخنرا که در انجیل
مجیده است   این خون منست

س فایده الحاق شدن چه چیز است

ج اینست که باعث برپا داشتن و افزودن
زندگانی جان ومحبت وخوشنودی خداست

س چه چیز باید کرد که اینسرّ پاک
شایستگی گرفته شود

ج سه چیز

س انها که امند

ج اول عقیده درست داشتن بانیکه در ان
خواهیم گرفت حضرت عیسی صاحب خود را
دویم توبه کردن ازگناه وکوشش

نمودن تا جان خود را پاک کنیم و در خوشنودی
خدا باشیم

سیم امساک مطلق نمودن بایمعنی که از نصفه
شب تا هنگام گرفتن ان بهیچ چیزی
اکل و شرب ننموده باشیم

س کیستند انهائیکه باید این
سر طاهر را بگیرند

ج کسانیکه در حیات میباشند و غسل تعمید یافته اند

س در عرض سال چند دفعه گرفتن

اینسر برایشان لازمست

ج اقل مرتبه یکبار در هنگام فراقت
از روزه کلان

س سر مقدس چهارم کدامست

ج توبه

س توبه چه چیزاست

ج بخشش جرائیست که بعد از غسل تعمید
بظهور پیوسته باشد

س اینسر مقدس را که میتواند بعمل اورد

ج ان کاهن شایسته که پیشوا او را بعد از
ازمودن و پرسش کردن در هر بابش
برگزیده و اذنش داده باشد در انوقت
ان کاهن بعد از انکه از جرایم عاصی اگاهی
یافت و حالتش را بمقام دانش خود سنجیده
و حکم پاداش اعمال ذمیمه او را فرمود
همگی خطایای او را می امرزد بمجرد بر زبان
کلمات مغفرت و امرزش جاری ساختن
الحق بغایت پسندیده است که بر عاصی حاکم

عدالت کیش باشد که گناهکاران بعصیان
خود شان او را اگاهی بخشند زیرا که هیچکس
بر خود بدرستی حکم نتواند کرد و نیز نکوهش
و ملامت و مواعظ دلنشین طبیب عیر اکه پیشتر
مایل گناه است بجانب صلاح و اجتناب
از معاصی میکشد و ملاحظه افشای افعال
ذمیمه ادمی را از ارتکاب ناشایستگیها باز
میدارد لیکن سخت دشوار است که راز پنهانی
که اظهار ان باعث خجالت میشود باهیچ خودی

در میان نهند ولی از اینکه در ضمنش فواید
کلیت پس انسب انست که پیش یکی
از دینه اران راستی کیش اعتراف بر معاصی
خود نماید چنانچه شخص مجروح بجراح جراحت
خود را مینماید هرچند برشرمگاه او باشد
بتخصیص که حضرت عیسی دراین باب علاجی
شگفت فرموده است باینکه کاهن پس
از اطلاع بر اعتراف عاصی بتاکید ممنوعست
که صغیره از ضعف یا او را نزد احدی برزبان

نراند هرچند مخاطره جان و بیم قتل
در پیش اید
س اینسر مقدس را که میتواند اخذ نماید
ج همگی عیسویانیکه بعد از غسل تعمید مرتکب
گناه کبیره شده باشند
س کدام وقت ضرورست که اینسر را بگیرند
ج اقل مرتبه یکبار در سال بایام روزه
کلان و وقت نزع و در ابتدای کاری
که دران مخاطره مرگ باشد زیرا که اگر مرگ

کسیرا در حالت پاکیزگی و درستی عقیده دریابد
جانش بسلامت رود

س بر عیسویان چند بار لازمست که اینسر را بگیرند

ج هر وقت که خواهش داشته باشند و گناه
از ایشان سرزند زیرا که چون بشریت و خو
کرده بمعاصی اورا بغایت مفید است که گاه گاهی
در سال اینسر را گرفته باشد

س سر مقدس پنجم کدامست

ج مالیه کی واپسین

س مالیه کی واپسین چه چیز است

ج مالیه کیست بر بعضی از اعضای بدن
مریض بروغن متبرک با کلمات چندی که از برای
اینسر وضع شده است و این مالیه کی از برای
نجات روح و بدنست

س از چه روغن این مالیه کی حاصل میگردد

ج از روغن زیتون که اسقف اورا متبرک نماید

س اینسر مقدس را که میتواند بعمل آورد

ج کاهن

سس بچه کس وکه ام وقت داده

میشود این سر

ج بعیسویکه غسل تعمید یافته وببلوغ رسیده

ودرمیان مرض صعب بوده وقریب الموت باشد

سس اینمریض بچه قسم میباید سلوک

کند که مهیا وقابل دریافتن اینسر گردد

ج باید که ابتدا باشراف توبه نمودن خودرا

چنان ازالودگی عصیان پاک ومنزه دارد

که لیاقت دریافتن اینسر مقدسرا داشته باشد

سس فایده اینسر مقدس ازبرای

نجات روح چند چیز است

ج چهار چیز

سس بیان فرمایید

ج اول انکه اینسر تقویت روح مریض

میکند که دروقت ارتحالش ازاینکه وسوسه

وازمایش وظلم شیطان درمقابلت ازاو

فریب نخورد وبراو فایق اید ونیز هوشمند

میشود که استیلای مرض اورا ازجا بدرنبرد

وراضی بقضای خدا باشد

دویم انکه موجب بخشیدن کناهان کبیره میکردد
که در وقت اعتراف توبه با وجود فکر نمودن
بخاطرش نکذشته و اقرار نکرده باشد

سیم انکه باعث بخشیدن کناهان صغیره میکردد

چهارم انکه سبب امرزش بقیه کناهان میشود
وان باینمعنی است که چون شخص مریض عاصی
بعد از توبه از عصیان همینکه بصرافت اعمال
زشت خود می افتد دل تنک کردیده حالت

خشم

خشم براو مستولی میشود و بجائی میرسد
که منجر بنا امیدی از رحمت الهی میکردد
و همین یاس اورا باز میدارد از افعال
و اعمال و اقوال حسنه دیکر لهذا اینسر موجب
اطمینان خاطر او کردیده رفع این بقیه
کناه اورا میکند

س فایده اینسر مقدس از برای
نجات بدن چه چیز است

ج خلاصی از ناخوشی و حیات بدنست

سس سر مقدس ششم که است

ج ترتیب کهنوت

سس کهنوت چه چیز است

ج چیزیست که قوت میبخشد برای دادن

سایر اسرار و بچرانیدن جانهای مردم در کار دین

سس اینسر مقدسرا که میتواند بعمل آورد

ج اسقف

سس اینسر مقدسرا که میتواند اخذ نماید

ج آنعیسویکه خود را باختیار بعبادت خدا

و برای سلامتی عیسویان تفویض نموده و در

وقوف کارهای دینی و دنیائی کامل است

سس سر مقدس هفتم که است

ج نکاح

سس نکاح چه چیز است

ج که خدائی و شرطیست که زن و مرد در وقت

تجویز با یکدیگر میبندند که تا دم واپسین بحقیقت

در وفاداری زیست نمایند

سس اینسر مقدسرا که میتواند اخذ نماید

ج انانکه ببلاغت رسیده اند و قابل توالد
و تناسل شده اند واین برای زنان اکثر
اوقات در دوازده سالکیست و برای مردان
در پانزده سالکی

س باچند زن کدخدائی جایز است

ج با یکی چنانچه یک زن یک شوهر بیش
نمیتواند کرفت بهمین منوال یکمرد هم بغیر از یکزن
در عقد نکاح نتواند اورد

س اینسر مقدس را که میتواند بعمل اورد

ان

ج ان کاهن که چوپان و خبردار انهاست
که کدخدا میشوند و بعد از تشخیص اینکه مانع
کدخدائی چیزی نبوده باشد ایشانرا بحضور
کواهان عقد میبندد و از شرایط کدخدائی
یک بیک ان هر دو را اکاهی میبخشد

فصل یازدهم

در بیان فضایل نیکوییها

س چیزی دیگر داخل دین عیسویان
هست که دانستنی باشد

ج اری بسیار چیزهاست که شایسته فهمیدنست
وهمه از برای زیستن موافق رضای ایزدی
میباشد

س که امند

ج نیکویهاست که باید پیروی ان بکنیم
وعظ های روح القدس وسعادتمندی
وکارهای رحمت که دران باید مشغول شویم
وجرامیکه ازان احتراز نمائیم وچهار
چیز واپسین

س نخست بگوید بمن که نیکویها چندست

ج بسیار خصوصا هفت که ازانجمله سه نیکویها
فضایل الهی خوانده میشود وچهار دیگر را
کردنده کی میگویند

س انسه که فضایل الهی است که امند

ج ایمان وامید ومحبت بخدا

س چرا اینها الهی خوانده میشوند

ج زیراکه بخصوص تعلق بپرستش ایزدی دارند

س ایمان چه چیزاست

ج فضیلت یا قدرتیست که بان لعقیده
درست یقین میدانیم انچه را خدایتعالی الهام
کرده است و از این هم که او الهام کرده است
قبول میکنیم هرچند که سخت و مشکل و بیرون
از عادت و روش طبیعی باشد

س اینعقیده درست بر چه چیز تکیه دارد

ج برراستی قول خدا که چون میدانیم
که خدایتعالی غلط نمیتواند گفت و بکسی مغالطه
نمیدهد بنا براین همینکه دریافتیم که خدا چیزیرا

گفته است لازمست برما که بدانیم واقعیست
هرچند که عقل ضعیف ما بکنه ان نرسد

س از که معلوم ما شود که خدا چیزیرا گفته است

ج از کلام مجید او که در کتابهای آلهیست
و بموجب شهادت دادن جانشین حضرت
عیسی که او را جناب پاپا میگویند و باو
مقرر است که در این باب غلط نگوید زیرا
حضرت عیسی در انجیل مقدس برای صلاح
امت خود باو اینچنین قول و قرار داده است

س امید چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که اراده را برمی انگیزاند

و همت میدهد که موجب ارتکاب بر اعمال

نیک سعادتمندی بهشت را دریابیم

س تکیه این امید بر چه چیز است

ج بر همت بینهایت خدا و درد و محنتها

و مرگ حضرت عیسی صاحب ما

س همین بس است

ج نه زیرا که از جانب ما در نیز در کار است

که اجتناب

که اجتناب از معاصی کنیم

س محبت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان دوست

میداریم خدا تعالی را بالاتر از همه چیز از برای

خودش و رفیقان خودمان را برای خدا

س تکیه این محبت بر چه چیز است

ج بر اینکه ادمی ربوده خوشیهای گیتی گردد

وازانها زیاده برگیرد تا انکه موجب سد راه محبت

خدا تعالی و رفیقانش نیاید

س آنچهار که گردنده کی است که امند

ج ادراک و عدالت و شجاعت و اعتدال

س چرا اینچهار چیز را گردنده کی مینامند

ج باین سبب که همه افعال و اعمال حسنه

برزبر اینچهار چیز گردش دارند مثل انکه

جمیع اجزای خشبیت که در درست بربالای

پاشنه ان میگردد

س ادراک چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان تمیز حسن و قبح

اشیارا

اشیارا و میانه روی درانها داده میشود

س تکیه ادراک برچه چیز است

ج براینکه همیشه بخاطر اورد زمان ماضیرا

و باقانون درزمان حال بوده وهوشیار

در مستقبل باشد

س عدالت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان ادمی مامور میشود

که درمیان عباد الله بدرستی وراستی

و دائمی حق و انصاف هر کسیرا

ادا نماید

س تکیه اینعدالت برچه چیز است

ج براینست که در همه چیز عادل باشد
وحق هر کسیرا ادا نماید واحدی را متضرر
نسازد ونفعش عام گردد ورضا وممنون
برداده خدا یتعالی بوده حد در نیکوییهای
سایر خلق نبرد

س شجاعت چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتیست که بان مغلوب مینماید

هر چیز یرا که خلاف امور حسنه است

س تکیه اینشجاعت برچه چیز است

ج براینست که شکست بدهد آرزوهای
نفس خود را و وسوسه شیطانرا و فریب
دنیارا ونیز در مقامیکه ضرورت افتد بجهت
سبحانیت وکبریائی خدا یتعالی حاضر باشد
از برای قتل شدن

س اعتدال چه چیز است

ج فضیلت یا قدرتست که بان ضبط عنان

ارزوهای لهو و لعب نفس امینماید

س یکیه این اعتدال بر چه چیز است

ج بر اینست که در جمیع جهاتیکه ارزوی ادمی

بان متعلقست مطابق حکم خدا رفتار نماید

فصل دوازدهم

در بیان عطایای روح القدس و سعادتمندیها

س عطایای روح القدس چند است

ج هفت

س که است انها

حکمت

ج حکمت و دانشمندی و اسرار و قدرت

و معرفت و ترس و خدا پرستی

س بچه کار می ایند این عطایا

ج از هر چیزی زیاد تر و بالاتر محرک میشوند

در کمال عبادت خدا

س پس هر یک را بیان فرمایید

ج چونکه میخواهیم بوجه احسن در خیر تقریر اوریم

ناگزیریم بر اینکه از اخرین شروع نموده

تا باول ختم شود چنانچه کسیکه بنای بالا رفتن

داردا ول بپایین ترین مرتبه که نزدیک بزینت
قدم میگذارد
س خوب اینچنین باشد اکنون بگویید
که بچه کار می آید النعطیه که خدا پرستیست
ج باینکه این عطیه تحریص میکند که اعتقاد کنیم
بزرگواری خدارا بیرون از اندازه و وصف
و متعارف و براستی و درستی پیروی کلامهای
مجید خداوندی را نماییم
س بچه کار می آید النعطیه که ترست

ج بسیار دور میکند مجرم را از جرایم خود
و منشا، شرم او میشود که بکلی احتراز کند
از مناهی خداوندی
س بچه کار می آید النعطیه که معرفتست
ج روشنی میدهد فهم را بانکه مقابله
کند چیزهای دارین را باینکه یکرو برا و وضح
میشود که دل بستگی بزخارف این دنیا
مذمومست و توجه بامور اخرت بغایت

س بچه کار می آید النعطیه که قدرتست

ج قوت بی انتها پخشاد میرا که بهیچ خوفی

تقصیر در عبادت ایزدی نکند

س بچه کار می آید النعطیه که اسرارست

ج باینکه فریب نخورد از وسوسه شیاطین

که شیوه و عادت انها اینست که چون بزور

نمیتوانند گمراه ساخت سعی میکنند که بنمونهای

باطل مردم را از راه ببرند

س بچه کار می آید النعطیه که دانشمندیست

باینکه

ج باینکه بکنه اسرار الهی بمعاونت

عقل پی برد

س بچه کار می آید النعطیه که حکمت

ج میشناساند از هر چیزی پیشتر و بالاتر یادمی

خدایتعالی را و انچیزهاییکه متعلق باوست

س سعادتمندیها چند است

ج هفت

س بگوئید انها را

ج اول سعادتمندانند انانکه در روح مسکینند

زیرا که ملکوت اسمان ازان انهاست

دویم سعادتمند انند حلیمان ازانکه وارث

زمین خواهند شد

سیم سعادتمند انند اناکه حزین هستند بجهت

انکه تسلی خواهند یافت

چهارم سعادتمند انند اناکه گرسنه وتشنه

برای عدالتسند که سیر خواهند گردید

پنجم سعادتمند انند ترحم کننده گان که ترحم

کرده خواهند شد

ششم سعادتمند انند پاک دلان که ایشان

خدارا خواهند دید

هفتم سعادتمند انند صلح کننده گان ازانجا که

فرزندان خدا خوانده خواهند شد

س اینسعادتمندیهارا که اموخت

ج حضرت عیسی صاحب ما بدهان مبارک خویش

س برای چه

ج بجهت اموختن بما اینکارهای بزرگرا

و بعمل اوردن انهارا

س برای چه اینها خوانده میشوند
سعادتمندیها

ج بجهت آنکه هر کس که باینها پیروی
میکند در عالم سعادتمند خواهد شد بلکه
در اینعالم نیز با سعادتمندی و اسودگی
کلی بسر خواهد برد

س اینسعادتمندیها را بطریق
اختصار در بیان ارید

ج سه اولین دافع موانع در عبادت

ایزدی میباشد و چهار دیگر موجب پیروی
نمودن بافعال حسنه میگردد

س موانع که امند

ج ارزوی مال و ارزوی جاه و ارزوی
خوشی نفس

س سعادتمندی اولی چه نتیجه میبخشد

ج اینکه از ارزوی دنیوی دل برکنیم
چنانچه پیغمبر ما میفرماید که سعادتمند انند انانکه در
روح مسکینند زیرا که ملکوت اسمان ازان ایشانست

یعنی انانکه از صمیم قلب مال و متاع دنیوی را
فانی و ناچیز میپندارند در ملکوت اسمان
خوبها از ایشانست و در این دنیا نیز انچنان
بارام بسر میبرند که کویا در اسمانند

س سعادتمندی دوم چه نتیجه میبخشد

ج انکه دعوی و مناقشه با هیچکس نداشته
باشیم چنانچه میفرماید سعادتمندانند
حلیمان ازانکه وارث زمین خواهند شد
یعنی انانکه انتقام نمیکشند و در پی مکافات

نمیباشند

نمیباشند نسبت بانانکه بایشان ضرر میرسانند
و حسد نمیبرند برانانکه مرتبه شان بسیار
بلندتر باشد بحلم خود انچه دارند در تصرف
ایشان میماند با امنیت

س سعادتمندی سیم چه نتیجه میبخشد

ج انکه در این دنیا ارزوی خوشیهای
نفس نداشته باشیم بلکه ریاضت بکشیم
و بر جرایم خود و عصیان دیگران بکرییم
چنانچه میفرماید سعادتمندانند انانکه حزین

هستند بجهت انکه تسلی خواهند یافت
یعنی انانکه بموجب حزن تسلی مییابند جهت
تسلیشان در این دنیا انست که همان گریه
و حزنشان موجب فرح و انبساط قلبشان
میگردد و دران دنیا بپاداش همین حزن
جلیس با فرشتگان میگردند
پس نتایج ان سه سعادتمندی اولین
مفهوم گردید از برای فهمیدن تتمه دیگر که موجب
پیروی نمودن با فعال حسنه میگردد بیان

فرمایند که سعادتمندی چهارم چه نتیجه میبخشد
ج انکه در کارهای حق و عدالت تمام ارزو
مشغول باشیم چنانچه میفرمایند سعادتمندانند
انانکه گرسنه و تشنه برای عدالتند که سیر
خواهند گردید یعنی انانکه در عدالتند در دارین
بمراتب ارزوهای خود سیر خواهند شد
پس سعادتمندی پنجم چه نتیجه میبخشد
ج انکه در این دنیا هرکس که برفیقانش
در مقام رحم باشد عاقبت دران دنیا

ترحم براو خواهد شد چنانچه میفرمایند
که سعادتمند اهند ترحم کنندگان که ترحم
کرده خواهند شد یعنی انانکه در این دنیا
برفیق خود رحم و معاونت و عفو مینمایند
و نعمت میدهند عوض هر یک از اینها
بعینه در این دنیا باو میرسد باضعاف
مضاعف و در اخرت جلال جاوید
خواهد یافت

س سعادتمندی ششم چه چیز میبخشد

ج انکه در همه کار نیت حق و درست داشته
باشیم و پاک دل باشیم که در عبادت
خدا بجز خوشنودی او چیزی دیگر مطلب ما
نباشد چنانچه میفرمایند سعادتمند اهند
پاکدلان که ایشان خدا را خواهند دید یعنی انانکه
پاکدلند در این دنیا نظر باعتقاد کامل خود بچشم
جان خدا را حاضر میبینند و محترز از افعال سیئه
میباشند و در اخرت مشاهده خدا را در ملکوت
اسمان مینمایند

س سعادتمندی هفتم چه نتیجه میبخشد

ج انکه زندکانی خودرا بنیکوییها اراسته
داریم و با رفیقان بصلح بسر بریم چنانچه
پیغمبر مینماید سعادتمند انند صلح کنندکان ازانجا که
فرزندان خدا خواهند شد یعنی انانکه در مقام
صلح میباشند بغایت عزیز و ارجمند میکردند
در نزد خدا

س سعادتمندی واپسین چه ثمره دارد

ج انکه کاره نشویم از محنتهاییکه در زندکی

خدا

خدا روی میدهد بلکه بصبر و خوشی متحمل
ان بشویم بامید انکه خدا تعالی بپاداش
زحمت کشیدن مارا در بهشت جا خواهد داد
چنانچه پیغمبر مینماید سعادتمند انند
انانکه از برای عدالت زحمت میکشند زیرا
که ملکوت اسمان ازان انهاست یعنی
انانکه بجهت ارتکاب در امور مستحسنات
زحمات میکشند و صبر میورزند ملکوت
اسمان ازان انهاست

فصل سیزدهم

در بیان کارهای رحمت

س کارهای رحمت چند است

ج چهارده از انجمله هفت جسمانی خوانده میشود

و هفت روحانی

س ان هفت که جسمانیست کدامست

ج اول گرسنه گان را خوراندن

دویم تشنه گان را اشاماندن

سیم برهنگان را پوشاندن

چهارم غربارا جای دادن

پنجم رنجوران را عیادت نمودن

ششم زندانیان را دیدن و تسلی دادن

هفتم مردگان را دفن نمودن

س ان هفت که روحانیست کدامست

ج اول اموختن بنادان دین عیسویرا

دویم مصلحت نیکو دادن محتاجان را

سیم دلاسائی نیک نمودن اندوهناکانرا

چهارم نصیحت کردن عاصیان را از جهت

خلاص کردن ازگناه

پنجم بخشیدن ضرر زنندگان را وهیچوجه

برویشان نیاوردن

ششم تحمل نمودن ازاذیت رفیقان

هفتم دعای نیک کردن درباره زندگان

ومردگان متقیان دین عیسوی

س ایا فرصت که پیوسته کارهای

رحمت مذکوررا بوجود آرند

ج همواره نه اما گاه گاهی

س کدام وقت بجا اوردن فرصت

ج وقتیکه کسی بغایت محتاج بود وکسیرا

نداشته باشد که معالجه کار اورا نماید

وخودش هم نتواند که کارش را صورت

بخشد بشرطی اگه هم نقصان عظیم نباشد

لازمست که خیرات بکند وچاره کار اورا نماید

واگر برا یموجب عمل ننمود گناه کبیره بنزد

خدا کرده باشد

س بعدم این شرایط لازم نیست که خیرات بکند

ج نه اما اگر بکنند خیر و نیکوئی عظیمست
و بغایت سودمند
س چرا میگوئید خیر عظیم
ج زیرا که در انجیل مجید خدا تعالی بسیار
اوصاف رحمت را کرده است بحدّیکه
حضرت عیسی صاحب ما فرموده است
براستیکه بشما میگویم که هرچه با یکی از کوچکترین
این برادران من بعمل آوردید از برای من کردید
و خیرات چیزیست که خدا تعالی بسیار

بدان نازیده است و کاریست که عمل آورنده
خود را البته و محبوب همگنان میگرداند
س چرا میگوئید که بغایت سودمندست
ج باین سبب که بیشتر از آن چیزی که
در راه خدا بکسی بذل نموده است عاید او
میشود زیرا که خیرات گرچه چند پولست
اما بصاحب خیرات صد چندان نتیجه
و بهره میبخشد چنانچه حضرت عیسی فرموده است
س اینقول چه طور تحقیق میشود چونکه

اینچنین مشاهده نمیشود که کسیکه یک روپیه بدهد
صد روپیه بیابد

ج معنی اینکلمه را باینوضع ظاهری نباید
فهمید هرچند که اغلب اوقات بوقوع
می اید که خدایتعالی در مال ومتاع
اهل خیر بانواع مختلف برکت وافزایش
میدهد وهرگز دیده نمیشود که سخاوت کیش
از ممر بذل وایثار فقیر ومفلس گردد بلکه
روز بروز توانگریش زیادتر وصاحب ثروت

بیشتر میگردد دراین دنیا

س پس بچه معنی درست می اید که
بذل کنند صد چندان زیاده مییابد ازانچه
ایثار فقرا میکنند

ج باینمعنی است که خدایتعالی براهل خیر
جهت خیرات کردن مهربان میشود وصحت
واستقامت مزاج ارزانی میفرماید و
از مهلکه وخطرات عظیم درپناه میگیرد
ومهمات اورا بانتظام میدهد

وبعمر او می افزاید وصد مساوی دیگر با وعطا
میفرماید ازهمان چیزیکه بذل فقرا کرده است
بنابراینست که کفته ام خیرات کردن بغایت
سود مند است وباین جهاتست که میباید ادمی
بجهت بهبود وامید سود خود در خیرات
بغایت طالب باشد

س بعضی ازفواید خیرات را بطریق
ایجاز واختصار بیان فرمایید

ج اکرچه قبل ازاین بعضی ازفواید انرا ذکر

داشته ایم اما اکنون هم بعضی فواید دیکر شرا
اظهار میداریم خیرات کردن رهائی
میبخشد ازوساوس شیاطین وازامریکه
باعث عصیان میشود ازخدا توفیق میرسد
که ازان محترز باشیم تا انکه درجهنم نیفتیم
وکفاره است برای کناهانیکه مرتکب ان
شده ایم تا انکه ازمحنت وصعوبت ان
نجات یابیم ومحمد است براینکه هرچه
ازخدا تعالی استدعا نماییم بیابیم چراکه

خدا تعالی فرموده است که هر که رحمت میکند
رحمت خواهد یافت

س در کدام وقت باید بعمل اورد

ج در همگی اوقات چراکه همواره محتاج
مراحم ایزدی هستیم

س خوب اما تخصیص در کدام وقت

ج در ایام روزه کلان که وقت ریاضت
کشیدن و کفارت دادن از جرایم و استدعا
نمودن رحمت از خدا تعالی است و در وقتیکه

کسی تکسر مزاج داشته باشد یا ضرورتی
عظیم اورا در پیش اید تخصیص در حالت
نزع باشد تا انکه باعث گردد که جانش
بسلامت متوجه عالم بقا گردد و اگر در زندگانی
خود رحمت بفقرا نیاورده باشد چون
در حالت نزع بود وصیت نماید که از مال
و متاع او جهت کفارت عصیانش بر فقیران
تقسیم نمایند که بغایت سودمند است و
نتیجه بخش که سخن مختصری وصیت نماید و

ورحمت کلی بیابد

س اینفوایه از کجا معلوم میشوند

ج ازاینکه خدایتعالی در کتب مقدس
خود که توریه و زبور و انجیل وغیره باشد در
فوایه ورعایت رحم فرمان داده است

س مستحق خیرات کیست

ج هر فردی که محتاج باشد و هر مذهب
وکیشی که داشته باشد اما رعایت اهم دین
خود را پیشتر باید کرد خصوصا بمردمانیکه

خویش

خویش واقربا باشند و دراینجماعت خیرات
اولیتر است بطایفه که بصلاح و تقوی
از دیگران مستثنی باشند زیرا که درضروریات
واجبه خود شان مصروف میدارند
هرچند خیرات بالعموم نتیجه خوب میدهد
اما اگر بمردم نیک نفس خیرات نموده شود
ودعا از صدق نیت وصفای طویت
کننده مقرون باجابت میگردد و مشتمل
بر فواید بسیار است

فصل چهاردهم

در بیان گناهان کبیره و معالجه انهاست

س خیرات و نیکویهای عظیم را که
باید پیروی کنیم بیان فرمودید اکنون
بفرمایید از گناهان کبیره که از ارتکاب
ان احتراز و اجتناب نماییم و نخست بگویید
که گناه چه چیز است

ج گناه نیست مگر انکه بخلاف امر ایزدی و
باختیار خود مرتکب فعلی شدن یا ترک

نمودن کار زیرا که ماموریم بدان از خدای تعالی

س چرا گفتید مرتکب شدن یا ترک نمودن

ج بانجهت که بعضی جرایمست که مرتکب
شدن بانها خلاف امر یزدانست مثل
قتل و دزدی و بعضی دیگر از جرایمست که ترک
نمودن انها خلاف امر یزدانست مثل گرفتن
روزه و ترک صلوة وغیره

س چرا گفتید باختیار

ج زیرا که اگر از کسی امری خلاف بی اختیار

سرزند داخل گناه نیست مثل کاری که در خواب
کنه یا در حالت دیوانگی و بیخبری باشد و یا انچه
از دیوانگان و بچگان سر زند

س چرا میگویید بخلاف امر ایزدی

ج زیرا که منظور ما از هر عمل حسنه رضای
ایزدیست چنانچه کاتب [illegible] وقت کتابت اگر
اندک از مسطر تجاوز کند کج نوسد بدین دستور
هر گاه بخلاف امر ایزدی از ما کاری سر زند
خواه از خود و خواه بوسیله دیگری باشد داخل گناه است

گناه

س گناه بی عظیمت

ج اری عظیمت و عظیمر از همگی سیئات
انست که انسانرا از خوشنودی خدا محروم
و مایوس میسازد و شایسته عذاب ابد
در جهنم میکرداند بنابران از جرایم دیگر بیشتر باید
اقرار کنه انرا با هر [illegible] حیلی که از او پیدا شده است

س ایا هر جریمه مجرم را شایسته
عذاب دوزخ میکرداند

ج نه زیرا که بعضی جریمه صغیره است و بعضی

کبیره و کبیره باعث نارضائی خدا است و مستحق عقوبت
ابدی میکرداند و صغیره انقدر ضرر و نقصان ندارد

س جریمه کبیره چه چیز است

ج چیزیست شنیع که عظیم و ثقیلست و مانع
میشود عاملش را از حصول مراحم الهی و وصول
بملکوت اسمانی و در اتش دوزخ مستقر و مستمر میدارد

س جریمه صغیره چه چیز است

ج چیزیست شنیع که حقیر و خفیفست و عاملشرا
مستحق دوزخ نمیدارد

س جرایم کبیره که منبع معاصی
و سردفتر گناهان میباشد چند است

ج هفت

س که امند

ج اول تکبر

دویم حسد

سیم غضب

چهارم کاهلی

پنجم طمع

ششم عبه البطنی

هفتم شهوت

س تکبر چه چیز است

ج خودرا بزرگ گرفتن نسبت بدیگران

س معاصیکه از تکبر حاصل میشود کدامست

ج لاف زدن در خود و حقیر داشتن

دیگران و نافرمانبرداری وغیره

س علاج دفع تکبر چه چیز است

ج تواضع و فروتنی که بوسیله ان بشناختن

خود پی میبرد و معلوم میکنه که هیچ خوبی در وی

از خودش نیست مگر انکه از عطایای ایزدیست

و خودرا بر هیچکس تقوی و تفضیل و ترجیح نمیدهد

س حسد چه چیز است

ج اندوه و حزن داشتن بر انتظام امور

دیگران از این رهگذر که ظن میبرد باینکه بزرگی غیر

موجب قصور و نقصانست در بزرگی خودش

س معاصیکه از حسد حاصل میشود کدامست

ج بیمحبتی با مردم و خوشنودی بر بدیشان

و مغمومی بر خویشتن و غیره

س علاج دفع حسد چه چیز است

ج حب خلایق و فکر نمودن بر اینکه
هر خوبی و شایستگی که ایشانراست خدا مرحمت
فرموده و بغایت ترک ادب است مغموم
بودن مخلوق از عملیکه از خلایق سر میزند

س غضب چه چیز است

ج آرزوی بی اندازه است در انتقام کسی

س معاصیکه از غضب حاصل میشود کدام است

ج با خلق خدا منازعه و کینه نمودن و
سخنان اهانت آمیز و کفر گفتن و ستیزه
و قهر داشتن و غیره

س علاج دفع غضب چه چیز است

ج صبر نمودن و فکر کردن بر اینکه بموجب
جرایمی که دارم هر گونه شدایده و مکروهاتیکه
بمن میرسد مستحق میباشم و در نظر داشتن
اینکه حضرت عیسی و حواریان و اولیای
آنحضرت نسبت بکسی که ایشانرا آزار و ایذا

میرسانیه رحمت و مهربانی بجای می اورند
و یاد اوردن از اینکه خدایتعالی تقصیرات
عظیم انکس را که صبر برازار و ایذای مردم
مینماینه عفو میفرماید

س کاهلی چه چیز است

ج اهتلا و سستی در پرستش ایزدی و
نیکوکاریها

س معاصیکه از کاهلی حاصل میشود کدامست

ج تقصیر نمودن اکثر اوقات در امور لازم

و ملالت پیوسته داشتن و از دست دادن
معالجه زندگانی روحانی و جسمانی وغیره

س علاج دفع کاهلی چه چیز است

ج فکر نمودن بر چستی و چالاکی ملائکه و
انبیا که چگونه در مواظبت خدمت باریتعالی
ساعی میباشند و تکرار در خواندن
کتابهای مجید و معاشرت با متقدسین
و دایم متذکر باشد بر اینکه خداوند
فرمایش فرموده که هرکس خلاف فرمایش

نکند مستحق ملکوت اسمانست

س طمع چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه است بکام وحطام
دنیوی

س معاصیکه از طمع حاصل میشود کدامست

ج بسیار از انجمله سرقت و دغل بازی
در بیع و شری و سخت دلی نسبت بفقرا و دروغ
گفتن و بدروغ قسم خوردن و غیره

س علاج دفع طمع چه چیز است

ج سخاوت و بذل بفقر است و دایم متفکر
و متفکر باشد بر خزانه ملکوت اسمان و دل
از خزانه زمین برکند زیرا که دشمن جان میباشد
و در ضروریات خود متوکل و متوسل
بامید خداوندی باشد

س عبه البطنی چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه بخوردن و اشامیدنست

س معاصیکه از عبه البطنی حاصل میشود کدامست

ج شهوت و انکار صوم و کسالت و گرانی

در عبادت ایزدی و نیز انواع امراض مهلک
در بدنش عارض میشود وغیره

س علاج دفع عجبة البطنی چه چیز است

ج پرهیز و قناعت در خوردن و اشامیدن
نموده یقین داشته باشد که ادمی از خوردن
و اشامیدن زنده نیست بلکه حیات او
از فرمان الهیست

س شهوت چه چیز است

ج ارزوی بی اندازه بخوشیهای نفس اماره

س معاصیکه از شهوت حاصل میشود کدامست

ج الودگی بزنانست و چیزیکه اقبح ازانست
و سخنانیکه دال بر ارتکاب اینگونه شنایع باشد
و اضطراب جان و انفعال وغیره

س علاج دفع شهوت چه چیز است

ج فضیلتیست که انرا پاکدامنی میگویند و
احتراز نمودن از چیزهائیکه باعث شهوت و عصیانست
و بر نفس خود تنگ گرفتن و اولیتر از همه تضرع
نمودن بخدا و شفیع اوردن جناب مریم راست

فصل پازدهم

در بیان چهار چیز واپسین

س از بیخ و بنیاد جرایم و سیئات
یا معصیتیکه بواسطه انها حاصل میشود با
علاج هر یکی از انها بیان فرمودید
اکنون بفرمایید که معالجه دارید که ادمی
بکلی از جمیع کناهان محترز باشد و باعمال
حسنه متوجه کردد

ج اری و ان فکر کردن بر چهار چیز واپسینست

س که امند

ج اول مرک
دویم قیامت
سیم دوزخ
چهارم بهشت

س در باب مرک بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم کردد

ج بچهار چیز
اول فکر کردن بر اینکه مرک حق یقینست

وهیچکسرا از چنگ او رهائی ممکن نیست

دویم زمان ومکان واسباب حصول

ان مشخص نیست زیرا که با مردمان بودند

که عمرشان سپری شده درمکانی وانی وطرزی

که اصلا درخاطر ایشان بانطور ها عبور نمیکرد

سیم براینکه در حالت مرگ امال وامانی دنیوی

هرکسی جلی میشود ونیز براینها مشخص میشود که

ارزوهای قبیحه که در دنیا داشته اند

تماما بغایت لغو وستمگر بوده است

براینکه

چهارم براینکه در حالت مرگ که از ارتکاب

هرگونه بدی وترک اقسام نیکی ادمی پشیمان میشود

وچاره پذیر نیست پس کمال حمق میباشد که

اکنون که دسترسی دارد از هرقسم سیات

اجتناب ننماید وبهرگونه حسنات میل نکند

پس درباب قیامت بچه نوع باید فکر

داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم گردد

ج بچهار چیز

اول فکر کردن براینکه در قیامت عدالت

خواهد کرد عادلترین عادلان بر حسنات
وسیات مردمان

دویم برایکه هیچ چیز از انچیزهائیکه مستور است
در نزد ان مخفی نخواهد بود

سیم برایکه عدالت و انصاف بحضور
جمهور خلایق خواهد شد تا همکنان از ارتکاب
افعال حسنه و ذمیمه خود اگاه و واقف کردند
و این امریست که باعث ملالت بدکردار است
و موجب توقیر و تعظیم نیکوکاران و در انوقت

اصلا گریزی از برای احدی متصور نیست

چهارم برایکه احدیرا یارای ان نیست که خودرا
ازاد دارد از زجر و محنت و تجاوز نماید از فرمان
انصاف و عدالت الهی

س در باب دوزخ بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم کردد

ج فکر کردن برایکه دوزخ مکانیست که دراو
حبس شیاطین و مجرمان شقاوت آیین است
و در انجا ابد الاباد حاصل میشود هر کونه عذابی

عقوبتی که زیاده تر از انکه هست بتصور نتوان اورد
ومطلق امید نجات و سپری شدن عذاب و فرصت
یافتن از ان نیست و بدترین عذاب از برای
گرفتاران عقوبت در انجا این خواهد بود که اجتناب
نکرده اند از معصیتیکه در دنیا باسانی از انها سر زده است
و باسانی احتراز از ان میتوانسته اند نمود

س در باب بهشت بچه نوع باید فکر
داشته باشد تا موجب احتراز از جرایم گردد

ج فکر کردن برانیکه بهشت مکانیست که در او

رفاهیت سعادتمندانست و در انجا احداث
میشود هرگونه خوبیها و شایستگیها که بیشتر از انکه
هست بتصور نتوانند اورد و هرگز قصوری از برای
ان نیست و در انجا مقدسین خوشوقت و مسرور
جاوید الابد خواهند برد و مستدعی از کرم کریم
و لطف عمیم خداوند علیم جلت شانه ان میباشیم
که از برای مطالعه کنندگان و بعمل اورندگان
مطالب مندرجه در این نسخه شریفه بهشت مذکور را
میسر و نصیب گرداند آمین تم الکتاب بعون الملک الوهاب

علاوه شده

در بیان اعمال اعتقاد و امید و محبت و پشیمانی و توبه است

عمل اعتقاد

ای خدای من ایمان محکم می اورم بهر چیزیکه
کلیسای مقدس کاتلیکی و رسولی مرا میفرماید
که باو اعتقاد بیاورم زیرا که خود تو ای حق لاریب فیه
اینرا وحی کرده

عمل امید

ای خدای من امید دارم باعتقاد محکم
که بثوابهای حضرت عیسی که عنایت خود را
در این دنیا بمن کرامت فرمایی و در آخرت
زندگانی جاوید

عمل محبت

ای خدای من ترا دوست میدارم
از همه دل بیشتر از هر چیز و نیز رفیقان
خود را دوست میدارم بمثل خود زیرا که

توچنین فرموده

عمل پشیمانی

ای خدای من بسیار پشیمانم که ترا رنجانیدم
زیرا که بی نهایت خوبی و بی انتها مقبولی
و نزد تو گناهان من مکروهست برانجش
بثواب بهای حضرت عیسی بنا دارم
بواسطه عنایت تو بعد از این ترا هیچ
نرنجانم و صالح شوم و بزودی اعتراف
و توبه نمایم

عمل توبه

اعتراف میکنم پیش خدای قادر بر همه چیز و جناب
مریم سعادتمند همیشه بکر و قدیس میکاییل فرشته
و قدیس یحیی معمدی و قدیس رسل پطرس
و پلوس و همه اولیا، خدا از یراکه زیاده گناه
کرده ام فکرا و لفظا و عملا از این سبب است
که میطلبم از جناب مریم سعادتمند همیشه بکر
و قدیس میکاییل فرشته و قدیس یحیی
معمدی و رسل پطرس و پلوس که از برای

من همیشه پیش خدا استدعا کننده که بما رحمت
کند خدای قادر برهمه چیز و گناهان مارا ببخشاید
و مارا بزندگانی جاوید برد آمین
بیامرزد و عفو نماید و ببخشد گناهان مارا
خدای قادر برهمه چیز و رحیم آمین
تمام شد این رساله شریفه و انتخاب
کردیده از عقاید عملیات دین عیسویان اعنی جماعت
کاتلیک بتالیف و تفسیر جناب شامخ الالقاب
فضایل و فواضل مآب عمدة العلماء المسیحیه و قدوة

الفضلاء العیسویه کشیش استپانوس کاتلیک
ابن اراطون ابن کشیش یوحنا ساکن جولاهه
دار السلطنه اصفهان صانها الله تعالی عن الحدثان
بجهت اطفال کاتلیک که در مدرسه معظم الیه
بتحصیل علم مشغولند که پس از خواندن و ممارست
نمودن و بجای آوردن در مراتب ضروریات
دین خود راسخ گردند و بدینواسطه باوجود
عنایت الهی حیات جاودانی را دریابند
تاریخ فراغت از تحریر مطابق سنه مسیحی در سال ۱۸۴۲ بود